

**Comparative Study of the Structure of the Prophet's
Ascension Narrative in Persian Commentaries and
Ascensions: From Ibn 'Abbas Ascension
Narrative to Ilkhanid Book of Ascension**

Nahideh Kazemzadeh Ganji*

Maryam Hosseini**

Abstract

One of the narratives of the life story of the Prophet, which is narrated in sources like the Qur'an and quoted by numerous narrators, is his ascension. This narrative has been referred to in Persian and Arabic literature (prose and poem) in various sources. The present study aimed at investigating the process of change in the structural elements of the ascension narratives from *Hadith al-Isra' wa'l-Mi'raj*, by Ibn Abbas to *Ilkhanid Book of Ascension*. This study was conducted based on *Hadith al-Isra' wa'l-Mi'raj*, by Ibn Abbas, the first written ascension, which was probably written around the 10th century AD. The narration of ascension was mentioned after Ibn 'Abbas in exegetical books such as *Kitab Al-Mi'raj* by Abu l-Qasim al-Qushairi, *Tafsir al-Tabari*, *Taj al-Tarajem*, *Tafsir-i Surabadi*, *Kashf al-Asrar*, and *Rawd al-Jinan wa Ruh al-Janan*. In this paper, we examined the process of change in different narratives of the story of ascension via investigating the similarities and differences of these works, in order to determine the extent to which

* PhD Student of Mystical Literature at Alzahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author),
n.ganji@alzahra.ac.ir

** Professor of Persian Language and Literature at Alzahra University, Tehran, Iran,
drhoseini@alzahra.ac.ir

Date received: 07/01/2021, Date of acceptance: 23/04/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۲۵۰ کهن‌نامهٔ ادب پارسی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

these narratives or interpretations has influenced each other. Finally, the *Ilkhanid Book of Ascension*, as the only independent narrative of ascension in Persian, was compared with other similar works.

Keywords: Exegesis, *Ilkhanid Book of Ascension*, Israa, Mi'raj, Mi'rajnameh.

مقایسه تطبیقی ساختار روایت معراج پیامبر (ص) در تفاسیر و معراج‌نامه‌های فارسی از معراج‌نامه ابن عباس تا معراج‌نامه ایلیخانی

ناهیده کاظم‌زاده گنجی*

مریم حسینی**

چکیده

از جمله روایت‌های داستان زندگی پیامبر اسلام (ص)، که در قرآن و دیگر منابع و به‌نقل از راویان متعدد آورده شده، معراج آن حضرت است که در ادبیات فارسی و عربی و در منابع منظوم و منثور بسیار به آن ارجاع داده شده است. پرسش اصلی این پژوهش بررسی چگونگی روند تغییر عناصر ساختاری روایت معراج از حدیث الإسراء و المعراج ابن عباس تا معراج‌نامه ایلیخانی است. اساس مطالعه حاضر در این مقاله کتاب حدیث الإسراء و المعراج ابن عباس، نخستین معراج‌نامه مکتوب، است که احتمالاً در حدود قرن دوم هجری کتابت شده است. روایت معراج پس از ابن عباس در کتاب‌های تفسیری چون کتاب‌المعراج ابوالقاسم قشیری، تفسیر طبری، تاج‌التراجم، تفسیر سورآبادی، کشف‌الاسرار میبدی، و روض‌الجنان و روح‌الجنان رازی آمده است. در این مقاله روند تغییر داستان معراج در مقایسه با یک‌دیگر و هم‌چنین شباهت‌ها و تفاوت‌های این آثار بررسی می‌شود تا میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری‌های هر تفسیر از این روایت مشخص شود. در پایان مطالعه، کتاب معراج‌نامه ایلیخانی، به‌منزله تنها معراج‌نامه مستقل به زبان فارسی، به‌صورت تطبیقی، با سایر آثار مقایسه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اسراء، تفسیر، معراج، معراج‌نامه، معراج‌نامه ایلیخانی.

* دانشجوی دکتری ادبیات عرفانی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

nahidehganj@gmail.com

** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران، drhoseini@alzahra.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۳



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

ساختار روایی آثاری که برپایه قرآن کریم نوشته شده‌اند، چه تفاسیر به شکل خاص چه قصص القرآن به شکل عام، به روایت‌گونگی بخشی از کتاب آسمانی اسلام اشاره دارند. در میان روایاتی که از خلال آیات قرآن برآمده و به زندگی پیامبران پیش از حضرت محمد (ص) مربوط‌اند، روایاتی نیز به زندگی ایشان و روی داده‌های روزانه، هم‌زمان با نزول این کتاب آسمانی، اشاره دارند. از جمله این روایات روایت معراج پیامبر (ص) است که مفسران و قصص‌نویسان بسیار به آن علاقه نشان داده‌اند. در زمینه ساختار روایی روایت معراج پژوهش‌های پراکنده‌ای انجام گرفته، ولی پژوهش‌های مقایسه‌ای در بسیاری موارد یا اصلاً وجود نداشته است یا به شکل محدودی بوده که به اندازه کافی جامع نیستند.

روایت‌های معراج پیامبر اکرم (ص) به صورت شفاهی و از طریق نقل احادیث از محدثان و سیره‌نویسان جریانی را به نام «معراج‌نامه‌نویسی» در کشورهای اسلامی از قرن سوم هجری ایجاد کرد. نخستین معراج‌نامه مکتوبی که به دست ما رسیده کتاب حدیث *الإسراء و المعراج* ابن عباس است.^۱ روایت‌های معراج نخست شفاهی بودند. سپس، با گذشت زمان به کتابت درآمدند. روایت‌هایی از عبدالله بن مسعود، ابوسعید خدری، عایشه، انس بن مالک، مالک ابن صعصعه، کلبی، و ابوصالح از قول ام‌هانی بنت ابی طالب و نیز روایتی از ابن عباس نقل شده است که باهم تفاوت‌هایی دارند. به نظر می‌رسد این تغییرات به این دلیل بوده که بعدها به این روایات عناصری اضافه یا از آن کم شده یا، به دلیل داشتن لایه‌های پنهانی و باطنی، تأویل‌ها و تفسیرهایی از آن‌ها صورت گرفته که باعث شده است نویسندگان جنبه‌های داستانی و تخیلی به آن بیفزایند و تفاوت‌هایی میان روایات مختلف ایجاد شود که زمینه روایی آن را بیش‌تر کند. برخی نیز بر آن‌اند که معراج دو یا چند بار رخ داده که برخی روحانی، برخی جسمانی، برخی در خواب، و برخی در بیداری بوده است. البته، همان‌طور که صاحب *روض‌الجنان* می‌نویسد، داستان‌ها از نظر الفاظ مختلف‌اند، اما شالوده کلی روایت یکی است و همگی دلالت بر موضوعی واحد دارند. درباره روایت ابن عباس می‌توان حدس زد که در آن زمان نسخه دیگری در دست مفسران بوده، زیرا مثلاً صاحب *روض‌الجنان*، باین که می‌نویسد از روایت ابن عباس بهره برده است، جزئیات روایتش با روایت ابن عباس تفاوت دارد؛ مگر این که فرض کنیم مفسر بعضی بخش‌ها را به دل‌خواه تغییر داده یا زیاد پای‌بند رعایت امانت در نقل قول نبوده است.

معراج پیامبر اکرم (ص) یکی از مباحث رازآلود و بحث‌برانگیز در دین اسلام و زندگی پیامبر (ص) است. هر چند در قرآن کریم درباره معراج پیامبر (ص) در سوره الإسراء و سوره النجم اشاراتی شده، جزئیات آن در قرآن نیامده است. بنابراین، از سال‌های نخست پس از رحلت پیامبر، مسلمانان در پی یافتن پاسخ پرسش‌هایی درباره معنا و دلالت‌های آیه‌های معراج و کیفیت و چگونگی معراج رسول اکرم بوده‌اند.

آیه نخست سوره الإسراء و آیات ششم تا هجدهم سوره النجم به معراج پیامبر (ص) اشاره دارد.

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»^۳ (الإسراء: ۱).

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى ﴿٦﴾ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى ﴿٧﴾ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى ﴿٨﴾ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى ﴿٩﴾ فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى ﴿١٠﴾ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى ﴿١١﴾ أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَى ﴿١٢﴾ وَلَقَدْ رَأَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى ﴿١٣﴾ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى ﴿١٤﴾ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى ﴿١٥﴾ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى ﴿١٦﴾ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَى ﴿١٧﴾ لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى ﴿١٨﴾^۴ (النجم: ۶-۱۸).

معراج در لغت به معنای «نردبان و آلت عروج» است. معراج و صعود بر آسمان‌ها ویژه حضرت رسول اکرم (ص) است و، بنابر روایات مشهور، معراج پیامبر (ص) در دو مرحله و به دو صورت زمینی و آسمانی رخ داده است: نخست سفر از مکه به مسجدالاقصی، سپس سفر از مسجدالاقصی به طبقات آسمان و بهشت و دوزخ، و در نهایت به سدره‌المنتهی.

در دوره‌های نخستین اسلامی، سفر شبانه پیامبر (ص) و معراجش لزوماً واقعه‌ای به‌هم پیوسته تلقی نمی‌شد. مثلاً، ابن اسحاق (د. ۱۵۱ق)، از نخستین سیره‌نویسان پیامبر، محدثانی چون البخاری (د. ۲۵۶ق) و مورخانی چون ابن سعد (د. ۲۳۸ق) سیر «زمینی» پیامبر (ص) از مکه به بیت‌المقدس و بازگشتش را جدا از سیر «صعودی‌اش» از مکه به آسمان‌ها و بازگشت به مکه ضبط کرده‌اند. ضبط این دو واقعه مجزا مسلم می‌دارد که دست‌کم در قرن‌های اول و دوم پس از رحلت پیامبر برخی نویسندگان اسراء را به‌طور کلی اتفاقاً جدا از معراج می‌پنداشتند.

ابن عباس میان معراج و اسراء تفاوت قائل نمی‌شود و آن‌ها را روایتی پیوسته می‌داند و به‌سادگی هر دو را باهم معراج می‌نامد. در برخی تفاسیر بین معراج و اسراء تفاوت قائل

می‌شوند و آن‌ها را روایت‌هایی جداگانه در نظر می‌گیرند. باوجوداین، طی دوره امویان (۴۱-۱۳۲ق) و حکومت عباسی (۱۳۲-۶۴۰ق) این حکایت‌ها به‌طور کامل و یک‌پارچه با روایت اسراء- معراج آمیخته شد.

کتاب ابن اسحاق (۸۱-۸۵ق-۱۵۰-۱۵۱ق) اولین سیره شناخته‌شده منسجمی است که در بین اهل سنت پذیرفته شده است. سیره محمد بن اسحاق را ابن هشام (د. ۲۱۳ یا ۲۱۸ق) تهذیب کرده و اکنون آنچه در دسترس ماست با نام سیره ابن هشام شهرت دارد. مسلم ابن حجاج نیشابوری معروف به «امام مسلم» (د. ۲۶۱ق)، صاحب صحیح مسلم، از گردآوردندگان مشهور حدیث، گزارش مسوطی از روایت معراج را از انس بن مالک ضبط کرده است؛ این گزارش مبنایی برای حکایت‌های معراج بود که در آن مؤلفه‌های اصلی حکایت ترکیب یافته اسراء- معراج آمده است.

در قرن دوم و اوایل قرن سوم، که کم‌کم آثار و احادیث مکتوب رواج یافت، اثری با نام حدیث الاسراء و المعراج منسوب به ابن عباس ظهور کرد که داستان معراج پیامبر (ص) را مفصل‌تر از احادیث بیان می‌کرد. ابن عباس ابن عبدالمطلب (۶۸ق)، پسرعموی پیامبر، یکی از عالمان مهم قرآن و حدیث بود و منسوب کردن روایت به او بر اعتبار آن می‌افزود.

روایت ابن عباس از معراج پیامبر (ص) پایه و اساس معراج‌نامه‌هایی است که از آن پس نگاشته شد. در این روایت به‌طور مفصل و بدون هیچ آشفتگی کلامی به مراحل معراج پیامبر (ص) و ملاقات با خداوند پرداخته شده است. روایت شامل مقدمه، تنه اصلی، و بخش پایانی است و به‌شکلی داستانی بیان شده است. محل و تاریخ و زمان اتفاق نیز دقیق ذکر شده است. پس از معراج‌نامه ابن عباس، معراج‌نامه‌هایی چه به‌طور مستقل و چه در تفاسیر قرآنی نوشته شد که مؤلفه‌های روایت معراج در همه این معراج‌نامه‌ها بسیار تکرار شونده و البته با تفاوت‌هایی است که به نویسندگانش و زمان نگارش و هدف نویسندگان از نگارش آن بستگی دارد.

متونی که در این تحقیق به آن‌ها پرداخته شده عبارت‌اند از: ۱. حدیث الاسراء و المعراج ابن عباس، ۲. ترجمه تفسیر طبری، ۳. ترجمه کتاب المعراج ابوالقاسم قشیری، ۴. تاج التراجم فی تفسیر القرآن للاعاجم اسفراینی، ۵. تفسیر سورآبادی، ۶. کشف الاسرار و عدة الابرار رشیدالدین میبیدی، ۷. روض الجنان و روح الجنان ابوالفتوح رازی، و ۸. معراج‌نامه مستقل در این پژوهش معراج‌نامه ناشناس متعلق به دوره ایلخانی است که در این پژوهش از آن با نام «معراج‌نامه ایلخانی» یاد می‌شود.

حدیث الإسراء و المعراج اثر ابن عباس (۶۸ق)، پسرعموی پیامبر (ص)، است. این کتاب اولین روایت مکتوب از معراج پیامبر (ص) است که به دست ما رسیده و در آن شرح مبسوطی از اسراء و معراج پیامبر (ص) درج شده است. واقعیت این است که این روایت در زمان حیات پیامبر (ص) نوشته نشده، بلکه چند سال پس از رحلت پیامبر (ص) و حتی خود ابن عباس نگاشته شده است. این روایت در معرض بسیاری از تحریف‌ها در خلال چاپ قرار گرفته، اما ناشر عربی آن به بررسی همه آن‌ها اهتمام ورزیده است و، به گفته ناشر، این نسخه بازبینی شده همه نسخه است.^۵ کتاب با ذکر صلوات بر پیامبر و بیان آیه معراج از سوره الاسراء آغاز و همه داستان معراج در آن از قول ابن عباس نقل می‌شود.

یکی دیگر از متونی که در آن به داستان معراج پیامبر (ص) توجه شده و شرحی مبسوط، اما فارغ از جزئیات و اوصاف شاعرانه از روایت معراج در آن آمده ترجمه تفسیر طبری است. این اثر ترجمه جامع‌البیان فی تفسیر القرآن از محمد بن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰ق) است که عده‌ای از مترجمان به فرمان منصور بن نوح سامانی آن را ترجمه کرده‌اند. این اثر از حیث زمانی بر دیگر روایت‌های معراج تقدم دارد. طبری در این کتاب، به خلاف تفاسیر دیگر، فقط به شرح معراج می‌پردازد و هیچ حرفی از رؤیت خدا نمی‌زند. درحالی که این بخش در تفاسیر دیگر به‌طور مبسوط بیان می‌شود. به نظر می‌رسد طبری اصلاً به مسئله رؤیت اعتقاد نداشته باشد.

کتاب المعراج اثر ابوالقاسم قشیری (۳۷۶-۴۶۵ق)، از عارفان به نام نیشابور و هم‌عصر بوعلی سینا، است. «قشیری به ملاحظه این‌که برخی واقعیت معراج پیامبر (ص) را انکار می‌کنند و بعضی دیگر معراج را سفر روحی و نه جسمی می‌دانند تلاش کرده است، ضمن نقل آرای دیگران، احتمالات را نیز در نظر بگیرد» (انصاری ۱۳۸۳: ۲۰). او پس از نقل احادیث رایج از معراج سعی می‌کند به چند پرسش در این باب پاسخ دهد. جالب توجه آن‌که بین اسراء و معراج تفاوتی قائل نمی‌شود. او فقط در روایتی نام اسراء را می‌آورد و بر آن است که معتزلیان به سیر زمینی پیامبر (ص) اعتقاد دارند.

به‌خلاف قشیری، هم‌عصر او، بوعلی سینا (۳۷۰ق)، معراج پیامبر را سیری روحانی می‌داند که از عقاید شاذ است، زیرا، بنا بر اعتقاد و تفسیر مفسران قرآن، هم‌چنان‌که از آیه اول سوره الإسراء برمی‌آید، معراج پیامبر در توان جسم پیامبر است، اما از نظر ابن سینا مقدار عروجی که در توان عقل است هرگز در توان جسم نیست. او قصه معراج را به‌صورت تأویلی بیان می‌کند و بر آن است که واقعه معراج در حالت خواب و بیداری رخ

داده است. جبرئیل با هیئتی بسیار زیبا و باشکوه بر پیامبر وارد شده و از ایشان خواسته است تا در مسیری عقلانی با او همراه شود تا برخی اشکالات و ابهامات از نظر پیامبر زدوده شود. از تأویلات ابن‌سینا می‌توان به این موارد اشاره کرد:

همراه جبرئیل روان شدن: گذشتن از عالم محسوسات (ابن‌سینا ۱۳۶۵: ۱۰۳).

براق: عقل فعال (همان).

سه قدح شراب، آب، و شیر: روح حیوانی، روح طبیعی، و روح ناطقه (همان: ۱۰۶).

از آن‌جاکه پژوهش حاضر درباره سیر روایت‌های معراج و مقایسه آن‌هاست، از بررسی رساله تأویلی - عرفانی معراج‌نامه ابن‌سینا صرف‌نظر می‌شود.

عمادالدین شهفور اسفراینی (د. ۴۷۱ ق)، فقیه اصولی، مفسر، و متکلم، صاحب تاج‌التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، از تفسیرهای مهم به زبان فارسی و هم‌پایه تفسیر طبری و سورآبادی، است. آن‌چه در تاج‌التراجم بسیار مورد توجه است این‌که اسفراینی در تفسیر آیه نخست سوره الإسراء داستانی بسیار مفصل از معراج پیامبر (ص) می‌آورد. در این داستان شباهت‌ها و تفاوت‌های بسیار چشم‌گیری طی مراحل اسراء - معراج با دیگر معراج‌نامه‌های پس‌و‌پیش از خودش وجود دارد که در پژوهش حاضر کارساز است.

تفسیر دیگری به زبان فارسی در حدود ۴۷۰ ق به‌دست ابوبکر عتیق نیشابوری، معروف به «سورآبادی» (د. ۴۹۴ ق)، تصنیف شده که به تفسیر سورآبادی معروف است و در برخی نسخه‌های خطی موجود با نام تفسیر التفسیر آمده است. در این پژوهش از قصص قرآن مجید، که برگرفته از تفسیر سورآبادی است، استفاده می‌شود. حدیث و قصه معراج رسول (ص) در ذیل تفسیر سوره بنی‌اسرائیل با جزئیات تمام آمده است.

معراج پیامبر (ص) هم‌چنان الهام‌بخش سلسله‌روایت‌های عارفان، صوفیان، و مفسران بوده است. امام حافظ رشیدالدین میبدی، با توجه به تفسیر موجز خواجه عبدالله انصاری، کل قرآن مجید را در سه نوبت، با نام کشف‌الاسرار و عده‌الابرار (۵۲۰ ق)، تفسیر کرده است. میبدی ذیل تفسیر سوره الإسراء در نوبت دوم داستان معراج را به تفصیل بیان می‌کند. او هم‌چنین در نوبت ثالث تفسیر سوره النجم به شرح و تفسیر معراج و حکمت‌های آن می‌پردازد. آن‌چه در بخش داستان معراج جلب توجه می‌کند این است که میبدی از نوشته‌های تفسیری فارسی استفاده نکرده، بلکه از نوشته‌های نویسندگان صوفی، هم‌چون سلمی و قشیری، بهره برده است.

از دیگر منابع نگارندگان در این پژوهش کتاب *روض الجنان و روح الجنان*، تفسیر ابوالفتوح رازی، از مفسران و علمای بزرگ شیعه، در قرن ششم هجری، است. ابوالفتوح رازی در *روض الجنان* در تفسیر سوره هفدهم از قرآن کریم به شرح مفصلی از معراج پیامبر (ص) به روایت انس بن مالک، ابوهریره، عبدالله بن عباس، عایشه، ام‌هانی، و مالک بن صعصعه می‌پردازد و خاطر نشان می‌کند که روایت‌های معراج اختلاف الفاظ و اتفاق معانی دارند و حدیث بعضی در حدیث بعضی داخل شده است. او قصه معراج را به تفصیل بیان می‌کند.

در میان معراج‌نامه‌هایی، که بیش‌تر به زبان عربی و ترکی رواج یافته بودند، معراج‌نامه‌ای است به زبان فارسی که در ۶۸۵ق در دوره ایلخانی به‌دست نویسنده‌ای ناشناس به‌رشته تحریر درآمده است. تک‌نسخه خطی این معراج‌نامه در کتابخانه سلیمانیه ایاصوفیه نگهداری می‌شود.^۶ نویسنده فارسی‌زبان *معراج‌نامه ایلخانی* شرح دقیقی از سفر معجزه‌آسا و جسمانی پیامبر (ص) به‌دست می‌دهد تا ثابت کند که معراج او صرفاً رؤیایی به‌هنگام خواب نبوده است. او معراج پیامبر (ص) را جسمانی و روحانی بیان می‌کند.

نگارندگان در این پژوهش کوشیده‌اند، با اتخاذ روشی مقایسه‌ای و برجسته‌نمایی تفاوت‌های روایات معراج در تفاسیر فارسی و مقایسه آن‌ها با معراج‌نامه ابن‌عباس، که می‌توان آن را اولین معراج‌نامه مکتوب دانست، به سیر داستانی معراج پیامبر (ص) نگاه جامع‌تری داشته باشند و فرصت مطالعه جریان‌شناسانه ساختاری این روایت را از آغاز تا قرن هفتم فراهم آورند. ذکر این نکته لازم است که در این مقاله فقط به بخش‌های مرکزی و ساختار اصلی روایت توجه شده و بخش‌هایی چون دیدار از بهشت و دوزخ، کیفیت صحبت با خداوند، وقایع پس از بازگشت پیامبر (ص)، و دیدار ایشان با بزرگان قبیله قریش ذکر نشده است.

۲. پیشینه پژوهش

در موضوع مقایسه تطبیقی ساختار روایی معراج‌نامه‌های پیامبر (ص) پژوهشی گسترده و فراگیر، به‌شکلی که در این پژوهش آمده، صورت نگرفته است. فردریک کولبی (Colby 2008)، پژوهش‌گر آمریکایی، در کتابی با نام *روایت سفر شبانه محمد (Narrating Muhammad's Night Journey)*، به مقایسه تطبیقی معراج‌نامه ابن‌عباس با معراج‌نامه ابوالحسن بکری پرداخته است. کریستین گروبر (Gruber 2010) در مقدمه کتابی با نام *کتاب ایلخانی معراج (The Ilkhanid Book of Ascension)*، با معرفی *معراج‌نامه ایلخانی*،

ویژگی‌های این معراج‌نامه و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن را به‌طور کلی بررسی کرده است. او در این کتاب، پس از مقدمه‌ای کوتاه درباره معراج‌نامه‌ها و معرفی *معراج‌نامه ایلخانی*، به معرفی نقاشی‌های معراج پیامبر (ص) می‌پردازد که در میان اوراق این نسخه خطی است. وی سپس تصحیح متن معراج‌نامه را آورده است.

یکی دیگر از کتاب‌هایی که درباره معراج‌نامه‌ها تألیف شده کتابی است با نام *معراج پیامبر: مواجهه بین فرهنگی با داستان‌های معراج اسلامی* (The Prophet's Ascension: Cross-) کار مشترکی از فردریک کولبای و کریستین گروبر، که در آن مجموعه‌مقاله‌هایی از نویسندگان مختلف گردآوری شده است. در این کتاب به معرفی و بررسی معراج پیامبر (ص) و دوره‌های تاریخی و موضوعات مختلف و پراکنده در این باره پرداخته شده است.

هم‌چنین، برخی پژوهش‌گران ایرانی به موضوع معراج پیامبر (ص) پرداخته‌اند که با پژوهش نگارندگان این مقاله ارتباط مستقیمی ندارند، از جمله مقاله «بررسی تطبیقی معراجیه‌های خمس نظامی با نگاه موردی به سه معراج‌نامه کتاب‌المعراج، معراج‌النبی، و الإسراء و المعراج» (۱۳۹۲)، اثر سعید قاسمی پرشکوه و عباس علی وفایی، و مقاله «معراج‌نامه نگین درخشان نگارگری ایلخانی» (۱۳۸۵)، اثر لاله شمسی و پریسا شاد قزوینی.

۳. روایت ابن عباس در کتاب حدیث الإسراء و المعراج

روایت ابن عباس گزارشی از معراج از زبان پیامبر (ص) است. روایت ابن عباس شباهت بسیاری به داستان *معراج‌نامه ایلخانی* دارد. در هر دو روایت نام طبقات آسمان و فرشتگان موکل بر آن آمده که این ویژگی در دیگر معراج‌نامه‌ها به‌صورت کامل موجود نیست. البته، بخش‌هایی در *معراج‌نامه ایلخانی* موجود است که در روایت ابن عباس وجود ندارد، مانند شستن دل پیامبر یا تفاوت‌هایی در مکان دیدار با پیامبران و نماز گزاردن با ایشان. پیامبر، بنابر روایت ایلخانی، در بیت‌المقدس با همه پیامبران دیدار می‌کند و با ایشان نماز می‌گزارد؛ در حالی که در روایت ابن عباس این دیدار و نماز در طبقات آسمان اتفاق می‌افتد. در این‌جا گزیده‌ای از روایت ابن عباس نقل می‌شود:

ابن عباس از پیامبر (ص) نقل کرده است: در خانه ام‌هانی، دختر ابی‌طالب، رضی الله عنها، به اسم فاخته بودم که معراج در دومین شب و در بیست‌وهفتم رجب سال هشتم

بعثت اتفاق افتاد. فاطمه زهرا، رضی الله عنها، در آن زمان نه سال داشت. نیمه شب کسی بر در کوبید، فاطمه (س) در را گشود و جبرئیل را دید که دو بال سبزش مشرق و مغرب را پوشانده و بر پیشانی‌اش نوشته شده بود «لا إله إلا الله محمد رسول الله» و اعلام کرد که به دنبال پیامبر خدا آمده است.

پیامبر (ص) لباس بر تن می‌کند و با جبرئیل (ع) همراه می‌شود (دلیلی بر جسمانی بودن معراج از دیدگاه ابن عباس) و جبرئیل به او می‌گوید که امشب با پروردگارت مناجات خواهی کرد.

پیامبر همراه جبرئیل به سوی صحرا روان می‌شود و ناگهان براق را می‌بیند؛ حیوانی که شبیه چهارپایان و درشت‌تر از الاغ و کوچک‌تر از قاطر است. صورتش مانند صورت انسان و بدنش مانند بدن اسب است. پیامبر (ص) از دیدن براق تعجب می‌کند. جبرئیل از پیامبر می‌خواهد که سوار بر براق شود، اما براق از این کار امتناع می‌کند. جبرئیل به او نهیب می‌زند که این حبیب خدا و فرستاده رب العالمین است و براق شرط سوارشدن پیامبر (ص) بر پشتش را شفاعت او در روز قیامت اعلام می‌کند. پیامبر می‌پذیرد، بر براق سوار می‌شود و میان آسمان و زمین به راه می‌افتند. در وادی عقیق می‌ایستند و نماز می‌خوانند. دوباره سوار می‌شوند و به راه می‌افتند. ندهایی از راست و چپ به گوش پیامبر (ص) می‌رسد که اعتنایی نمی‌فرماید. با زنی (کنایه از دنیا) روبه‌رو می‌شود و صدایی هول‌ناک می‌شنود و باز اعتنایی نمی‌کند و به راهشان ادامه می‌دهند و ناگهان خود را در بیت‌المقدس می‌بینند.

در بیت‌المقدس سه جام شیر و آب و شراب به پیامبر (ص) تعارف می‌کنند و پیامبر شیر را می‌نوشد و اندکی از آن باقی می‌ماند. پیامبر (ص) و جبرئیل (ع) از نردبان گوهرینی که روی صخره بود بالا می‌روند تا آسمان دنیا، که فاصله‌اش از زمین پنجاه‌ساله راه بود. پیامبر مقام عابدان و ملائکه تسبیح‌کننده را می‌بیند. جنس این آسمان از دود و نام آن رفیعیه و نام خازن آن اسماعیل است. دو رود نیل و فرات در آن جاری است و ملکی عظیم، نیمی از برف و نیمی از آتش، در آن جاست.

پیامبر و جبرئیل فاصله آسمان دوم تا آسمان دنیا را، که پنجاه‌ساله راه و جنسش از آهن و نامش ماعون است، در چشم‌برهم‌زدنی می‌پیمایند. دو پیامبر یحیی بن زکریا و عیسی بن مریم (س) در این آسمان حضور دارند که پیامبر با ایشان نماز می‌گزارد.

سپس، در کم‌تر از چشم‌برهم‌زدنی از آسمان سوم بالا می‌روند که میان آن آسمان و آسمان دوم پنجاه سال راه است و بلندی آن مانند آسمان دوم است. آن‌جا آسمانی است از مس به‌نام «مزینة». در این آسمان پیامبر داوود و سلیمان و یوسف بن یعقوب را ملاقات می‌کند و با آن‌ها نیز دو رکعت نماز می‌گزارد.

آسمان چهارم آسمانی است از نقره سفید که به آن «زاهرة» گفته می‌شود. پیامبر در این آسمان ادریس پیامبر و ملک‌الموت را مشاهده می‌کند و عزرائیل نحوه گرفتن جان انسان‌ها را به پیامبر توضیح می‌دهد. هم‌چنین، حضرت ابراهیم نیز در این آسمان است و به پیامبر (ص) تهنیت می‌گوید.

میان آسمان پنجم و آسمان چهارم نیز پنجاه سال فاصله است؛ آسمانی از طلای سرخ به‌نام «منیره». پیامبر در این آسمان جهنم و انواع عذاب‌ها و عذاب‌شوندگان را می‌بیند. پیامبر (ص) پس از آن‌که به آسمان پنجم و عجایب آن نگاه می‌کند، ملائکه صف می‌بندند. پیامبر پیش می‌رود، با آنان دو رکعت نماز می‌خواند، و سپس به آسمان ششم می‌رود.

آسمان ششم آسمانی است از یاقوت سبز به‌نام «خالصه». پیامبر (ص) در این آسمان فرشته‌ای بزرگ را می‌بیند که بر کرسی نور نشسته؛ نیمی از آن برف است و نیم دیگرش از آتش. نه آتش برف را ذوب می‌کند نه برف آتش را خاموش. هم‌چنین، موسی بن عمران هم در این آسمان می‌بیند و پیامبر به هم‌راهی او و ملائکی که به صف ایستاده‌اند دو رکعت نماز می‌گزارد.

در کم‌تر از چشم‌برهم‌زدنی به آسمان هفتم می‌روند؛ آسمانی است از در سفید که به آن «عجیبه» می‌گویند. پیامبر حضرت آدم را، که به بیت‌المعمور تکیه داده است، در این آسمان می‌بیند. از این آسمان سوار بر رفرفی سبز می‌شود و بعد از پیمودن دریا‌هایی از انواع نورها میکائیل را می‌بیند و از او چرایی نام‌گذاری میکائیل، جبرئیل، اسرافیل، و عزرائیل را می‌پرسد. سپس، پیامبر به عرش می‌رسد و اسرافیل را در آن‌جا می‌بیند و هم‌چنین فرشته‌ای که چهره‌ای مانند خروس دارد؛ گردنش زیر عرش و پاهایش در عمق زمین است. پس از دیدن کروبیان و فرشتگان هزاران هزار حجاب را می‌پیماید و پس از حجاب علو و برتری، از آن‌جا به حجاب کبریا و از آن‌جا به حجاب حضرت الهی می‌رسد.

در آن‌جا به امر خداوند حجاب میان خدا و پیامبر برداشته می‌شود و خداوند با حبیبش سخن می‌گوید. پیامبر در این دیدار برای امتش نزد خداوند شفاعت می‌کند و به توصیه موسی از خداوند درخواست می‌کند تا نماز را از پنجاه نوبت به پنج نوبت تخفیف دهد.

پیامبر (ص) در راه بازگشت جبرئیل را، همان‌جا که ترک کرده، می‌یابد و بهشت و جنت و مالک بهشت، رضوان، را می‌بیند.

سفر پیامبر پایان می‌یابد و همراه جبرئیل به مکه بازمی‌گردد. جبرئیل از پیامبر (ص) می‌خواهد هنگام صبح با قومش دربارهٔ امور عجیبی که در آن شب مشاهده کرده است سخن بگوید و آن‌ها را به رحمت خداوند تعالی بشارت دهد. پیامبر از ترسش از تکذیب سفر شبانه‌اش می‌فرماید، اما جبرئیل می‌گوید: اگر تو را تکذیب کنند، ابوبکر تو را تصدیق می‌کند.

پیامبر به‌بستر می‌رود. پس از نماز صبح به مسجد می‌رود و از سفر شبانه‌اش به مردم خبر می‌دهد. پیامبر (ص) برای تصدیق سخنانش به امر خداوند و به‌کمک جبرئیل و به تصدیق ابوبکر نشانی‌های مسیر بیت‌المقدس را می‌دهد و ماجرای شتر گم‌شدهٔ بنی‌مخزوم را تعریف می‌کند که با رسیدن این قوم و تأییدشان سخنان پیامبر تأیید می‌شود.

۴. مقایسه مکان شروع معراج در معراج‌نامه‌ها

در معراج‌نامه‌های مختلف تفاوت زیادی میان مکان شروع معراج پیامبر (ص) وجود دارد. در کتاب حدیث *الإسراء و المعراج* ابن‌عباس، به‌دقت و سواس گونه‌ای، مکان شروع معراج خانهٔ ام‌هانی بیان شده است. او از زبان پیامبر (ص) چنین می‌نویسد: «در خانهٔ ام‌هانی، دختر ابی‌طالب، رضی الله عنها، به اسم فاخته بودم». در تفسیر طبری آمده است که معراج دو بار بود: یک بار از مسجدالحرام در مکه او را مستقیم به آسمان بردند و بار دیگر از مسجدالحرام در مکه به بیت‌المقدس و از آن‌جا به معراج بردند.

قشیری احادیث مختلفی را با سلسله‌راویان هر حدیث نقل می‌کند که از حوصلهٔ این مقاله به‌دور است. مثلاً، دربارهٔ مسئلهٔ مکان شروع معراج از قول راویان مختلف از قول پیامبر (ص) می‌نویسد که «من در حطیم بودم» یا می‌نویسد که «من در حجر کعبه بودم» یا «من در حالت خواب و بیداری بودم». در *کشف‌الاسرار*، *تاج‌التراجم*، و *روض‌الجنان* دو روایت از مکان معراج وجود دارد که یکی از آن روایات در مسجدالحرام و دیگری در خانهٔ ام‌هانی^۷ از مکه بوده است.

در *روض‌الجنان* چنین آمده است: «گفتند [معراج] یک بار بود و گفتند دو بار بود: یک بار از مسجدالحرام و یک بار از خانهٔ ام‌هانی، بنت ابی‌طالب، و گفته‌اند بسیار بارها بود».

البته، در *معراج‌نامه ایلیخانی* معراج پیامبر (ص) به دو سفر تقسیم می‌شود: یکی سفر شبانه زمینی (اسراء) و دیگری معراج به آسمان. همچنین، در این تفسیر سه مکان دیگر برای معراج جز خانه ام‌هانی بیان شده است: یکی خانه خدیجه (س)، میانه صفا و مروه، و خانه عبدالله بن عباس (*معراج‌نامه ایلیخانی*: ۲۷)^۸.

جدول ۱. مقایسه مکان شروع معراج در معراج‌نامه‌های مختلف

عنوان اثر	مکان شروع معراج در معراج‌نامه‌ها
حدیث الإسراء و المعراج	خانه ام‌هانی، دختر ابی طالب، به اسم فاخته
کتاب المعراج	خانه پیامبر، در حطیم، در حجر کعبه، نزدیک بیت، خانه ام‌هانی
تفسیر طبری	مسجد الحرام، مکه
تاج التراجیم	مسجد الحرام یا خانه ام‌هانی از مکه
سورآبادی	خانه ام‌هانی، مکه
کشف الاسرار	مسجد الحرام یا خانه ام‌هانی، مکه
روض الجنان	مسجد الحرام یا خانه ام‌هانی، مکه
معراج‌نامه ایلیخانی	خانه ام‌هانی، خانه خدیجه (س)، میانه صفا و مروه، و خانه عبدالله بن عباس

۵. مقایسه زمان شروع معراج در معراج‌نامه‌ها

در اغلب تفاسیر به زمان معراج اشاره دقیقی نشده است، اما راوی حدیث *الإسراء و المعراج* تاریخ دقیقی از این ماجرا ارائه می‌کند: شب دوشنبه، بیست و هفتم رجب سال هشتم بعثت. طبری آن را پیش از هجرت می‌نویسد. در این میان، *تفسیر سورآبادی* زمان معراج را شب دوشنبه، ربیع‌الاول، دانسته و تاریخ دقیقی برای آن در نظر نگرفته است. قشیری فقط به اجمال سه روایت در این باره ذکر می‌کند.

در *معراج‌نامه ایلیخانی* در این باره آمده است: «شب دوشنبه هفده روز گذشته از رمضان پیش از هجرت به ده ماه» (*معراج‌نامه ایلیخانی*: ۷۲)، که در این روایت شب دوشنبه با روایت *سورآبادی* و *کشف الاسرار* مشترک و ماه رمضان در *کشف الاسرار* هم ذکر شده است.

در *تفسیر کشف الاسرار* نیز به روایتی سیزدهم ماه ربیع‌الاول آورده شده و روز دیگری که برای شروع معراج روایت شده نوزدهم رمضان، یعنی هجده ماه پیش از هجرت، است.

جدول ۲. مقایسه زمان شروع معراج در معراج‌نامه‌های مختلف

عنوان اثر	مقایسه زمان شروع معراج در معراج‌نامه‌ها
حدیث الإسراء والمعراج	شب دوشنبه، بیست‌وهفتم رجب سال هشتم بعثت، در نُه‌سالگی حضرت فاطمه
کتاب‌المعراج	شش ماه قبل از هجرت، یک سال قبل از هجرت، قبل از نزول وحی
تفسیر طبری	پیش از هجرت
تاج‌التراجم	
سورآبادی	شب دوشنبه، ربیع‌الاول
کشف‌الاسرار	نوزدهم رمضان، هجده ماه پیش از هجرت، شب دوشنبه، سیزدهم ربیع‌الاول
روض‌الجنان	پیش از هجرت به یک سال
معراج‌نامه ایلیخانی	شب هفدهم رمضان، ماه رجب، ماه ربیع‌الاول، شب دوشنبه هفده روز گذشته از رمضان پیش از هجرت به ده ماه، نُه‌سالگی حضرت فاطمه

۶. فرشتگان هم‌راه پیامبر در معراج

در معراج‌نامه‌های متعدد بر حضور جبرئیل اتفاق نظر وجود دارد. در روایت ابن‌عباس فقط از جبرئیل نام برده می‌شود. ولی در برخی معراج‌نامه‌ها، از جمله تاج‌التراجم، کشف‌الاسرار، و معراج‌نامه ایلیخانی، در کنار جبرئیل از میکائیل نیز نام برده می‌شود که پیامبر (ص) را هم‌راهی می‌کردند. مفسر در تفسیر سورآبادی، علاوه بر جبرئیل، میکائیل، و هفتاد هزار فرشته در یک‌سو، اسرافیل را با هفتاد هزار فرشته دیگر در سوی دیگر هم‌راه و بدرقه‌کننده پیامبر (ص) دانسته است (۱۳۷۰: ۱۹۳). قشیری در کتاب‌المعراج در روایتی از هم‌راهی جبرئیل یاد می‌کند و در روایتی دیگر از هم‌راهی جبرئیل، میکائیل، و فرشتگان.

در تفسیر طبری و روض‌الجنان فقط از جبرئیل به‌منزله فرشته هم‌راه در معراج نام برده شده است. در معراج‌نامه ایلیخانی هم‌چنین آمده است که پیامبر (ص) در دیدار نخستش با جبرئیل طاقت دیدار صورت واقعی او و تاب تحمل آن هیبت را نداشته و زان پس جبرئیل همواره به‌صورت دحیه کلبی بر او ظاهر می‌شده است. جبرئیل در شب معراج به درخواست پیامبر (ص) به هیبت و ظاهر اصلی خود رسول گرامی اسلام را هم‌راهی می‌کرده است (معراج‌نامه ایلیخانی: ۸۷).

جدول ۳. فرشتگان همراه پیامبر در معراج‌نامه‌های مختلف

عنوان اثر	فرشتگان همراه در معراج در معراج‌نامه‌ها
حدیث الإسراء والمعراج	جبرئیل
تفسیر طبری	جبرئیل
کتاب المعراج	جبرئیل، میکائیل و گروهی از فرشتگان
تاج‌التراجم	جبرئیل و میکائیل
سورآبادی	جبرئیل و میکائیل و هفتاد هزار فرشته در یک‌سو، اسرافیل با هفتاد هزار فرشته دیگر در سوی دیگر
کشف‌الاسرار	جبرئیل و میکائیل
روض‌الجنان	جبرئیل و فرشته‌ای دیگر
معراج‌نامه ایلیخانی	جبرئیل و میکائیل

۷. شکافتن سینه و شستن قلب پیامبر (ص)

این بخش از روایت معراج در معراج‌نامه‌های مختلف محل اختلاف زیادی است، تا آن‌جا که این روایت در تفسیر سورآبادی و طبری، که قدیمی‌تر از بقیه تفاسیرند، وجود ندارد و در روض‌الجنان این حدیث عقلاً و شرعاً منکر دانسته شده است.

ابن عباس نیز در حدیث الإسراء هیچ اشاره‌ای نه به صراحت و نه حتی تلویحی به این مسئله نمی‌کند. قشیری، چنان‌که شیوه برگزیده اوست، به نقل از راویان چند حدیث را بی‌هیچ شاخ‌ویرگی در این باره ذکر می‌کند. دو راوی به تشتی پُر از حکمت و ایمان و دو راوی به تشتی زرین پُر از آب زمزم اشاره می‌کنند و یک راوی می‌گوید که تشتی طلائی پُر از حکمت و ایمان آوردند و سینه مرا شکافتند و قلب مرا در آب زمزم شستند.

در تاج‌التراجم و معراج‌نامه ایلیخانی این حکایت به تفصیل و با شاخ‌وبرگ‌های فراوان آورده شده است. در تاج‌التراجم کیفیت این روایت به این صورت آمده است که جبرئیل از میکائیل می‌خواهد سه بار تشتی را با آب زمزم پُر کند و برای او بیاورد (اسفراینی ۱۳۷۴: ۱۲۳۱). در این دو اثر و هم‌چنین کتاب کشف‌الاسرار استفاده از آب زمزم در تشتی به صورت مشترک آمده است.

پس از شستن دل در این روایت در تاج‌التراجم آمده که جبرئیل غَلَّ وَعَشَّ را از دل پاک و آن را با علم، حلم، و ایمان پُر می‌کند (همان). در کشف‌الاسرار آمده که از ایمان و حکمت پُر می‌کند (مبیدی ۱۳۸۲: ۴۸۴) و در معراج‌نامه ایلیخانی با تفصیل بیش‌تری اشاره می‌شود که در سه مرحله دل را از پلیدی‌ها می‌پالاید: «چند نخود سنگی سیاه

مقایسه تطبیقی ساختار روایت معراج ... (ناهیده کاظم‌زاده گنجی و مریم حسینی) ۲۶۵

بیرون آورد و بینداخت (حظ دیو) ... حظ دنیا ... و حظ نفس ... و به علم، حکمت، و نور بیاگند» (معراج‌نامه ایلیخانی: ۷۲) و در پایان جبرئیل پَر خود را بر سینه حضرت می‌کشد و آن را به حالت اولیه برمی‌گرداند.

جدول ۴. شکافتن سینه و شستن قلب پیامبر (ص) در معراج‌نامه‌های مختلف

عنوان اثر	شکافتن سینه و شستن قلب پیامبر (ص)
حدیث الإسراء و المعراج	
تفسیر طبری	
کتاب المعراج	تشتی پُر از حکمت و ایمان، تشتی از طلا پُر از آب زمزم، تشتی طلایی پُر از حکمت و ایمان
تاج‌التراجم	تشتی از آب زمزم، پاک کردن غل و غش از دل و پُر کردن آن با علم، حلم، و ایمان
سورآبادی	
کشف‌الاسرار	تشتی از آب زمزم، پُر کردن از ایمان و حکمت
روض‌الجنان	این حدیث را عقلاً و شرعاً منکر می‌داند
معراج‌نامه ایلیخانی	تشتی از آب زمزم، سه مرحله از پاک کردن، پُر کردن با علم، حکمت، و نور

۸. توصیف مرکب معراج در معراج‌نامه‌های مختلف

در حدیث الإسراء و المعراج براق بهترین حیوان دنیا دانسته شده است. در این روایت آمده که براق حیوانی است بزرگ‌تر از الاغ و کوچک‌تر از قاطر، با این تفاوت که صورتش مانند انسان و بدنش مانند اسب است (ابن عباس ۱۴۰۷ق: ۳-۴). در کتاب المعراج در روایتی فقط به ذکر نام براق پرداخته شده است.

در تاج‌التراجم براق متعلق به حضرت ابراهیم (ع) دانسته شده که با آن برای دیدار حضرت اسماعیل (ع) از شام به مکه رفت و دوباره شب‌هنگام به نزد ساره بازگشت (اسفراینی ۱۳۷۴: ۱۲۳۲) و در تفسیر طبری نیز همین وصف آمده است. صاحب روض‌الجنان نیز براق را اسب حضرت ابراهیم خلیل دانسته است (ابوالفتوح رازی ۱۳۶۵: ۱۳۰).

در همه معراج‌نامه‌ها، به صورت مشترک، به امتناع براق از نشستن پیامبر (ص) بر پشتش اشاره شده که در این روایات بعضی درخواست براق از حضرت را برای آن دانسته‌اند که در قیامت هم مرکب ایشان باشد. هم‌چنین، در تفسیر طبری و روض‌الجنان آورده شده که براق بر در مسجد الحرام ایستاده بود تا پیامبر (ص) بیاید و بر او سوار شود.

در تاج‌التراجم و تفسیر سورآبادی بندی برای تذکر و هشدار به جبرئیل آمده که محمد (ص) از همه پیامبران گرامی‌تر است.

جدول ۵. توصیف مرکب معراج در معراج‌نامه‌های مختلف

عنوان اثر	توصیف مرکب معراج در معراج‌نامه‌های مختلف
حدیث الإسراء و المعراج تفسیر طبری	روی چون آدمیان، بدن چون اسب، بزرگ‌تر از الاغ کوچک‌تر از قاطر، تاجش از مروارید با شاخه‌هایی از یاقوت، گوشش از زمرد، یکی از سه طوق پایش آراسته به مروارید و جواهر
کتاب المعراج	چهارپایی کوچک‌تر از استر و بزرگ‌تر از خر، سفیدرنگ، چهارپایی با صورتی مانند انسان و بدنی هم‌چون چهارپایان، آراسته به انواع زینت، در روایتی نام این مرکب «برقه» آورده شده است، در روایتی دیگر صورت چون انسان و گونه هم‌چون اسب، چشم‌هایش چون زهره و مریخ، دم مثل گاو، یالش از مروارید بافته، دو بال مثل دایره ماه
تاج التراجم	روی آدمیان، مهتر از خر و کهنتر از استر، دنبال شتر، عرف اسب، پای استر، پشت مروارید، اضلاف گاو، سینه یاقوت سرخ، حلی بر وی از رحل‌های بهشت
سورآبادی	مهتر از حمار و کهنتر از بغل (استر)، روی مردم، سر اسب، گردن شتر، سینه شیر، پشت شتر، پای گاو، دنبال پیل، رکاب از یاقوت سرخ، زین مروارید، لگام زبرجد سبز
کشف الاسرار	دابه‌ای از درازگوش مه و از استر کم، روی مردم، گوش فیل، عرف اسب، پای اشتر، دنب گاو، چشم ستاره زهره، پره‌های براق از جواهر مکمل، دنبال پیل، پشت چون یاقوت سرخ، شکم زمرد، رحلی از زر و حریر بهشت
روض الجنان	پر طاووس یا پر کرکس، دنبال شتر یا گاو، موی پیشانی یا سینه به یاقوت سرخ، سم گاو، بر اسب، دست و پای شتر، پشت در سپید، روی آدمیان، خد اسپ، بر مروارید، شکمش سیم سپید، چشم‌هایش زهره و مریخ و ...
معراج‌نامه ایلیخانی	اسبی از استر فروتر و از خر بزرگ‌تر، روی آدمی، گوش پیل، پشت اسب، پای استر، دنبال گاو، پشتش از مرجان، گوش از زمرد سبز، پر مروارید، سرش یاقوت سرخ، شکم از مرجان سرخ، چشم ستاره تابان، زمامش از نور

۹. ندهایی که پیامبر (ص) در آن شب شنید

در اغلب معراج‌نامه‌ها سه ندا در آسمان شنیده می‌شود که پیامبر (ص) التفاتی به آن‌ها نمی‌کند و می‌گذرد. نقل این صداها، که از سمت چپ و راست و پیش روی پیامبر بلند می‌شوند، در همه منابع مشترک است، اما در روایت ابن عباس با تفاوت اندکی نقل شده است. در این بخش از داستان محمد (ص) ابتدا فریادی از راست و بعد از چپ می‌شنود، پس از آن زنی زیبا، آراسته به انواع جواهرات، بر او عرضه می‌شود. سپس، صدای عظیمی را می‌شنود. پس از مدتی جوانی زیبارو را می‌بیند که پیامبر (ص) او را در آغوش می‌گیرد. پیامبر (ص) از جبرئیل رمز این نداها و افراد را می‌پرسد. او می‌گوید که اولی داعی مسیحیت بود، اگر پاسخ می‌دادی، پس از تو امت مسیحی می‌شدند. دومی داعی یهودیت بود و پس از تو امت یهودی می‌شدند. آن زن دنیا بود؛ اگر پاسخش را می‌دادی، پس از تو

امت دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دادند و آخری صخره‌ای است که پنجاه سال است در جهنم سقوط کرده است و جوان زیبارو دین بود؛ همانا امت تو با ایمان زندگی می‌کنند.

قشیری نیز در روایتی به ذکر این نداها می‌پردازد (انصاری ۱۳۸۳: ۶۹).

در تاج‌التراجم فقط اشاره شده است که ندای سمت راست مربوط به جهودان است و به روبروشدن با عجز اشاره می‌شود (اسفراینی ۱۳۷۴: ۱۲۳۲). مواجهه با عجز یا گنده‌پیر آراسته و زینت‌شده در همه معراج‌نامه‌ها وجود دارد.

در این منابع بعضی تفاوت‌ها در گروه‌های منادی وجود دارد. مثلاً، طبری در تفسیر طبری ندای راست را ندای مهتر جهودان می‌داند که دجال (عبدالله بن الصاید) است و در آخر زمان به دست مهدی (عج) به هلاکت می‌رسد (طبری ۱۳۴۱: ۹۱۱). در کشف‌الاسرار، روض‌الجنان، و معراج‌نامه ایلخانی این ندا از آن جهودان است یا همه این منابع ندای چپ را از آن مهتر ترسایان دانسته‌اند. در تفسیر سوراآبادی دو ندای دیگر از پس، که ندای مهتر گبران است، و از زبر، که ندای مهتر صابئیان است، شنیده می‌شود (عتیق نیشابوری سوراآبادی ۱۳۷۰: ۱۹۴).

در معراج‌نامه ایلخانی (۱۲۲) تعداد نداها بیش از بقیه منابع درج شده است. در این معراج‌نامه علت این که پیامبر (ص) نداها را اجابت نکرده بیان شده که ایشان دعوت خدا را اجابت کرده، ادب نگاه داشته، و نداهای دیگر را اجابت نکرده است.

در همه این منابع به این نکته اشاره شده است که اگر پیامبر (ص) به ندای مهتر جهودان پاسخ می‌داد، امت او به یهودیت میل می‌کرد یا اگر به مهتر ترسایان یا حتی به ندای دنیا پاسخ می‌داد، امت او به یکی از این گروه‌ها یا دنیا مایل می‌شد.

جدول ۶. نداهای شنیده‌شده پیامبر (ص) در شب معراج براساس معراج‌نامه‌های مختلف

عنوان اثر	نداهايي که پیامبر (ص) در آن شب شنید
حدیث‌الاسراء و المعراج	از راست مهتر مسیحیان، از چپ مهتر یهودان، مواجهه با زنی زیبا (دنیا)، شنیدن صدایی عظیم (صخره‌ای در جهنم)، دیدن جوانی زیبارو (دین) و درآغوش کشیدن او
تفسیر طبری	از راست مهتر جهودان، از پیش زنی (جهان) با پیرایه‌های بسیار، از چپ امیر ترسایان
کتاب‌المعراج	زنی خلخال برپا با گل‌بندی از مروارید (دنیا)، از راست داعیه یهودیان و از چپ داعیه نصارا
تاج‌التراجم	ندای سمت راست مربوط به جهودان، روبروشدن با عجز
سوراآبادی	از راست جهودان، از چپ ترسایان، از پس گبرکان، از فوق صائبیان، از پیش صورت دنیا
کشف‌الاسرار	از راست داعیه یهود، از چپ داعیه ترسایان، از پیش صورت دنیا
روض‌الجنان	از راست داعیه جهودان، از چپ داعیه ترسایان، پیش رو عجز (دنیا)
معراج‌نامه ایلخانی	از راست داعی جهودان، از چپ داعی گبران، از پس داعی ترسایان، از پیش مشرکان

۱۰. محتویات جام‌ها در معراج

در معراج‌نامه‌های مختلف، جبرئیل جام‌های متفاوتی را برای رفع عطش پیش‌کش پیامبر (ص) می‌کند. مثلاً، ابن عباس می‌گوید: جبرئیل برای پیامبر (ص) سه جام آورد: یکی شیر، یکی شراب، و یکی آب و پیامبر (ص) شیر را برگزید و بیش‌تر آن را خورد و اندکی را باقی گذاشت. جبرئیل گفت: «پیروزی را برگزیدی» (ابن عباس ۱۴۰۷ ق: ۵). در تفسیر طبری به‌طور کلی هیچ اشاره‌ای به جام‌ها نشده است.

قشیری، در ضمن نقل چند روایت مختلف، روایت‌هایی درباره جام‌های شبیه به هم ذکر می‌کند که جبرئیل برای پیامبر (ص) در یکی از آن‌ها شراب، در دیگری شیر، و در ظرفی دیگر عسل می‌آورد و پیامبر (ص) شیر را برمی‌گزیند و جبرئیل می‌گوید که این همان سرشتی است که تو و امت تو بر آن هستید (انصاری ۱۳۸۳: ۵۸).

در تاج‌التراجم دو جام حاوی می و شیر به ایشان داده می‌شود که پیامبر (ص) شیر را برمی‌گزیند (اسفراینی ۱۳۷۴: ۱۲۳۲). در منابع دیگر نیز در یکی از جام‌ها می یا خمر نام برده می‌شود که هربار پیامبر (ص) آن را برای نوشیدن انتخاب نمی‌کند و جام دیگری، که اغلب جامی محتوی شیر یا آب است، اختیار می‌شود.

در تفسیر سوراآبادی، در مراحل فراتر و بعد از دیدن عذاب برخی گروه‌ها، دو فرشته یکی دو قلدح شیر و خمر و دیگری دو قلدح آب و انگبین برای حضرت می‌آورند؛ ایشان جز خمر از بقیه قلدح‌ها می‌نوشد و جبرئیل شادباش می‌گوید که آب صافی‌ترین است و انگبین و شیر شفا هستند (عتیق نیشابوری سوراآبادی ۱۳۷۰: ۱۹۶).

مطابق آنچه در *روض‌الجنان* آمده است، پیامبر (ص)، از میان ظرف‌های آب و شراب، آب را برمی‌گزیند و در جایی دیگر هنگام انتخاب میان آب، شیر، و شراب اندکی آب و تمام شیر را می‌نوشد (ابوالفتوح رازی ۱۳۶۵: ۱۳۲، ۱۳۸).

در *کشف‌الاسرار* نیز، مانند *روض‌الجنان*، سه جام بعد از دیدار با پیامبران ذکر می‌شود، با این تفاوت که، به جای آب، عسل در جامی ریخته شده که پیامبر (ص) از عسل نیز اندکی برمی‌گیرد (میبدی ۱۳۸۲: ۱۳۲). در *معراج‌نامه ایلخانی* (۱۸۷-۱۹۲) نیز پس از دیدار با پیامبران آوردن جام‌ها و نوشیدن پیامبر (ص) ذکر می‌شود، ولی در این منبع دو روایت آورده شده که در یکی سه جام و در دیگری چهار جام بوده است. روایت ایلخانی به ابن عباس نزدیک‌تر است.

جدول ۷. محتویات جام‌ها در معراج در معراج‌نامه‌های مختلف

عنوان اثر	محتویات جام‌ها در معراج
حدیث الإسراء و المعراج	شیر، شراب، آب
تفسیر طبری	
کتاب المعراج	شراب، شیر، عسل
تاج التراجم	شیر، می
سورآبادی	شیر، می، آب، انگبین
کشف الاسرار	عسل، شیر، خمر
روض الجنان	آب، خمر / آب، شیر، شراب
معراج‌نامه ایلیخانی	آب، شیر، می، انگبین

۱۱. دیدار با پیامبران

در معراج‌نامه‌های مختلف، پیش از حرکت و برشدن پیامبر (ص) و جبرئیل از سرزمین بیت‌المقدس، روایتی از دیدار ایشان با پیامبران و حتی نمازگزاران با آن‌ها درج شده است که این روایات تفاوت‌های اندک و شباهت‌های بسیار با یک‌دیگر دارند؛ در تفسیر طبری پیامبر در بیت‌المقدس ارواح پیامبران را ملاقات نمی‌کند، بلکه این اتفاق در آسمان چهارم رخ می‌دهد. ابن عباس نیز مطلبی درباره دیدار پیامبر (ص) با پیامبران پیشین پیش از رفتن به معراج نیاورده است و پس از بالا رفتن از آسمان‌ها حضرت محمد (ص) هر پیامبر را در آسمانی می‌بیند و دو رکعت نماز به اقتدابه حضرت محمد (ص) باهم نماز می‌گزارند. در تاج‌التراجم حضرت محمد (ص) روح پیامبرانی چون ادریس، نوح، عیسی، و ابراهیم، علیهم‌السلام، را می‌بیند، اما ذکری از نمازگزاران نیامده است (اسفراینی ۱۳۷۴: ۱۲۳۶). در تفسیر سورآبادی (۱۳۷۰: ۱۹۶) از آدم، نوح، و ابراهیم (ع) نام برده شده و به دو رکعت نماز به امامت پیامبر اکرم (ص) اشاره شده که در روض‌الجنان، تفسیر کشف‌الاسرار، و معراج‌نامه ایلیخانی نیز این نماز یادآور شده است.

روایات یادشده در روض‌الجنان (ابوالفتوح رازی ۱۳۶۵: ۱۳۷) و کشف‌الاسرار (مبیدی ۱۳۸۲: ۴۸۷) نیز مشابه روایت تاج‌التراجم‌اند.

قشیری در بیش‌تر روایات جایگاه هر پیامبر را در آسمانی می‌نویسد. فقط در روایتی می‌نویسد که پیامبر (ص) پس از رسیدن به مسجد همه پیامبران پیش از خود، از ادریس و نوح تا عیسی، را دید و به پیش‌نمازی او دو رکعت نماز با آن‌ها خواند (انصاری ۱۳۸۳: ۸۳).

در معراج‌نامه ایلیخانی (۱۷۷) کیفیت این بخش از روایت معراج کاملاً متفاوت است و شاخ‌وبرگ بیش‌تری دارد. محمد (ص) یک‌یک پیامبران از جمله آدم، نوح، ابراهیم، موسی (ع)، را دیدار و با راه‌نمایی جبرئیل با هریک از آنان گفت‌وگو می‌کند.

جدول ۸ دیدار حضرت محمد (ص) در معراج با پیامبران براساس معراج‌نامه‌های مختلف

عنوان اثر	دیدار با پیامبران در بیت‌المقدس
حدیث الإسراء و المعراج	
تفسیر طبری	
کتاب‌المعراج	تمام پیامبران پیش از خود را دید و با آنها نماز خواند
تاج‌التراجم	پیغمبرانی که از وقت ادريس و نوح بودند تا به وقت عيسى (ع)، ابراهيم (ع)
سورآبادی	آدم (ع) در پیش، نوح (ع) در پس او، و سپس ابراهیم (ع)
کشف‌الاسرار	ابراهیم (ع)، موسی (ع)، داوود (ع)، سلیمان (ع)، عیسی (ع)
روض‌الجنان	پیغامبران از عهد ادريس و نوح تا به روزگار عيسى (ع)، ابراهيم (ع)، موسی (ع)، داوود (ع)
معراج‌نامه ایلیخانی	آدم (ع)، نوح (ع)، ابراهیم (ع)، موسی (ع)، داوود (ع)، سلیمان (ع)، ایوب (ع)، یونس (ع)

۱۲. هفت‌آسمان در معراج‌نامه‌ها

در همه معراج‌نامه‌ها پیامبر از هفت‌آسمان می‌گذرد تا به عرش الهی راه یابد. هفت‌آسمان را در معراج‌نامه‌ها می‌توان بسیار گسترده‌تر و جزئی‌تر بررسی کرد، ولی، باتوجه به مجال اندکی که در این مقاله وجود دارد، از بسط آن صرف‌نظر و فقط آسمان‌ها به‌اختصار در جدول زیر بررسی می‌شود. با مشاهده جدول، می‌توان به اختلاف‌ها و شباهت‌ها پی برد:

جدول ۹. هفت‌آسمان در معراج‌نامه‌های مختلف

هفت‌آسمان در معراج‌نامه‌ها	
عنوان اثر	آسمان اول در معراج‌نامه‌ها
حدیث الإسراء و المعراج	نام آسمان اول رفیع، جنس از دود
تفسیر طبری	
کتاب‌المعراج	حضرت آدم، نام آسمان اول رفیع است، مانند موج کف کرده است، دیدن آتش بی‌نور جهنم، دیدن عذاب مال یتیم‌خوران، رباخوران، زناکاران، و زنانی که فرزندی را به مردی نسبت می‌دهند
تاج‌التراجم	حضرت آدم (ع)

هفت آسمان در معراج نامه‌ها	
عنوان اثر	آسمان اول در معراج نامه‌ها
سورآبادی	صورت عثمان ایستاده در نماز، آدم (ع)
کشف الاسرار	آدم (ع)، زانیان، مال یتیم خوران، و سخن چینان، عالمان بی عمل
روض الجنان	
معراج نامه ایلیخانی	جنس آسمان اول از زمرد سبز، نام آن برقیعا، حضرت آدم (ع)، دریایی اندر هوا ایستاده، نام وی قاضیه
- عنوان اثر	آسمان دوم در معراج نامه‌ها
حدیث الإسراء و المعراج	نام آسمان دوم ماعون، جنس از آهن، ملاقات با حضرت یحیی و حضرت عیسی
تفسیر طبری	
کتاب المعراج	یحیی و عیسی، نام آسمان دوم تیتا، جنس آن از مس
تاج التراجم	عیسی بن مریم، یحیی بن زکریا
سورآبادی	
کشف الاسرار	عیسی بن مریم، یحیی بن زکریا
روض الجنان	عیسی بن مریم، یحیی بن زکریا
معراج نامه ایلیخانی	نام آسمان دوم افلون، جنس آسمان دوم از سیم سفید، یوسف (ع)
عنوان اثر	آسمان سوم در معراج نامه‌ها
حدیث الإسراء و المعراج	نام آسمان سوم مزینه، جنس از مس، ملاقات با حضرت داوود و حضرت سلیمان و حضرت یوسف
تفسیر طبری	
کتاب المعراج	یوسف، جنس آن از نقره، نام آن زیلون
تاج التراجم	یوسف (ع)
سورآبادی	
کشف الاسرار	یوسف (ع)
روض الجنان	یوسف (ع)
معراج نامه ایلیخانی	جنس آسمان سوم از زر سرخ، نامش قیدون، عیسی بن مریم، یحیی بن زکریا
عنوان اثر	آسمان چهارم در معراج نامه‌ها
حدیث الإسراء و المعراج	نام آسمان چهارم زاهره، جنس از نقره سفید، دیدار با ادریس و ابراهیم
تفسیر طبری	ارواح پیامبران (ع)، شجره طوی، بیت المعمور
کتاب المعراج	ادریس، نام آن الماعون، جنس آن طلای زرد، دیدن قصر مریم، آسیه، خدیجه، مادر موسی، و حضرت فاطمه
تاج التراجم	ادریس (ع)
سورآبادی	آفتاب از عصیان اهل زمین به خدای می نالید

هفت آسمان در معراج‌نامه‌ها	
عنوان اثر	آسمان اول در معراج‌نامه‌ها
کشف‌الاسرار	ادریس (ع)
روض‌الجنان	ادریس (ع)
معراج‌نامه ایلیخانی	جنس این آسمان از یاقوت سرخ، نام آن ماعون، سلیمان (ع)
عنوان اثر	آسمان پنجم در معراج‌نامه‌ها
حدیث الإسراء و المعراج	نام آسمان پنجم منیره، جنس از طلای سرخ، کناررفتن پرده از جهنم و دیدن انواع عذاب‌ها در جهنم
تفسیر طبری	
کتاب‌المعراج	هارون، جنس آن یاقوت سرخ، نام آن شقحین
تاج‌التراجم	هارون (ع)
سورآبادی	
کشف‌الاسرار	هارون (ع)
روض‌الجنان	هارون (ع)
معراج‌نامه ایلیخانی	نام آسمان عیدون، جنس آن از یاقوت سبز، هارون (ع)، هفت طبقه دوزخ، درخت زقوم و رود گنده و رود غسلین، وادی‌های دوزخ
عنوان اثر	آسمان ششم در معراج‌نامه‌ها
حدیث الإسراء و المعراج	نام آسمان ششم خالصه، جنس از یاقوت سبز، ملاقات با حضرت موسی
تفسیر طبری	
کتاب‌المعراج	موسی، نام آسمان غزریون، جنس از زمرد سبز
تاج‌التراجم	موسی (ع)
سورآبادی	
کشف‌الاسرار	موسی (ع)، بیت‌العزه جای دبیران و نویسندگان
روض‌الجنان	موسی (ع)
معراج‌نامه ایلیخانی	نام آسمان غزریون، جنس این آسمان از مروارید سپید، موسی (ع)
عنوان اثر	آسمان هفتم در معراج‌نامه‌ها
حدیث الإسراء و المعراج	نام آسمان هفتم عجیبه، جنس از مروارید سفید، دیدار با حضرت آدم، دیدن بیت‌المعمور و طواف با فرشتگان گرد بیت‌المعمور هفت مرتبه
تفسیر طبری	
کتاب‌المعراج	ابراهیم، جنس از نور، نام آن مرشمعوا
تاج‌التراجم	اشمط (ابراهیم (ع)) بر کرسی نشسته، گروهی سفیدروی (توبه‌کنندگان)،

هفت آسمان در معراج‌نامه‌ها	
عنوان اثر	آسمان اول در معراج‌نامه‌ها
	بیت‌المعمور، سدره‌المتهی
سورآبادی	مشاهده دوزخ و بهشت، دو کوشک از آن حسن و حسین (ع)، سدره‌المتهی
کشف‌الاسرار	ابراهیم (ع)، بیت‌المعمور، سدره‌المتهی، چهار جوی
روض‌الجنان	ابراهیم (ع) و گروهی سفیدروی، بیت‌المعمور، سدره‌المتهی
معراج‌نامه ایلخانی	جنس از نور، نام آن عرنیا، بیت‌المعمور، ابراهیم (ع) دریایی از نور و دریایی از تاریکی و دریایی از آتش، کوه‌هایی از برف و دریاهایی از آتش و برف اندر آن، بحر مسجور، سدره‌المتهی، چهار جوی بهشتی، مقام جبرئیل، مقام میکائیل

۱۳. نام فرشتگان

از آن‌جا که نام فرشتگان به ما کمک می‌کند تا اثرپذیری روایات از یک‌دیگر را شناسایی کنیم، در این بخش به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

جدول ۱۰. نام فرشتگان در هفت آسمان در معراج‌نامه‌های مختلف

فرشتگان در هفت آسمان در معراج‌نامه‌ها	
عنوان اثر	فرشتگان آسمان اول در معراج‌نامه‌ها
حدیث‌الاسراء و المعراج	فرشتگان تسبیح‌گوی، فرشته‌ای به نام اسماعیل (خزانه‌دار آسمان) که ملک هفتاد هزار فرشته بود، فرشته موکل اطراف آسمان‌ها با تنی نیمی از آن از برف و نیمی از آتش
تفسیر طبری	فرشتگان تسبیح‌گوی
کتاب‌المعراج	فرشته‌ای به نام اسماعیل که ملک دوازده هزار فرشته بود، دیدار با مالک و خازن جهنم، در روایت دیگر فرشته‌ای شبیه خروس، فرشته‌ای نیمی از برف و نیمی از آتش، فرشته مرگ، منکر و نکیر، در روایت دیگر خازن دوزخ، در روایت دیگر فرشته‌ای اذان می‌گوید و از پشت پرده کسی (خدا یا فرشته‌ای) تصدیق می‌کند
تاج‌التراجم	خروس سفید، فرشته‌ای نیمی از آتش و نیمی از برف، ملک‌الموت، خازن دوزخ، فرشتگان بی‌شمار چندین روی میان دو کتف و چندین روی بر سینه و بر هر روی چندین دهن و هر دهنی چندین زبان تسبیح‌گویان
سورآبادی	فرشته‌ای به نام اسماعیل، فرشتگان تسبیح‌گوی، خروس سپید
کشف‌الاسرار	فرشته‌ای به نام اسماعیل، خروس سپید
روض‌الجنان	خروسی سپید، فرشته‌ای نیمی از آتش و نیمی از برف، ملک‌الموت، مالک فرشته نگاهبان دوزخ، فرشتگان بسیار با روی‌های بسیار
معراج‌نامه ایلخانی	خزانه‌دار فرشته‌ای به نام اسماعیل، خروس سپید

عنوان اثر	فرشتگان آسمان دوم در معراج‌نامه‌ها
حدیث الإسراء و المعراج	فرشتگانی مجهز برای پیروزی اسلام
تفسیر طبری	فرشتگان تسبیح‌گوی
کتاب‌المعراج	نام خازن آن رفائیل
تاج‌التراجم	
سورآبادی	فرشتگان سوره فاطر می‌خواندند
کشف‌الاسرار	
روض‌الجنان	
معراج‌نامه ایلخانی	نام خازنش اوراقیائیل، قابیل فریشته، فرشته‌ای نیمی از آتش و نیمی از برف
عنوان اثر	فرشتگان آسمان سوم در معراج‌نامه‌ها
حدیث الإسراء و المعراج	ملائکه شب قدر و ماه رمضان
تفسیر طبری	
کتاب‌المعراج	نام خزانهدار آن کوکب یالیل
تاج‌التراجم	
سورآبادی	فرشتگان سوره الطور می‌خواندند
کشف‌الاسرار	
روض‌الجنان	
معراج‌نامه ایلخانی	نام خازن آن کوکیائیل، فرشتگان غازی
عنوان اثر	فرشتگان آسمان چهارم در معراج‌نامه‌ها
حدیث الإسراء و المعراج	دیدن گروهی از ملائکه و دیدن عزرائیل و سخن گفتن با عزرائیل
تفسیر طبری	فرشتگانی نیمی از برف و نیمی از آتش، خروس سپید، عزرائیل
کتاب‌المعراج	نام خزانهدار مؤمن یالیل
تاج‌التراجم	
سورآبادی	فرشتگان سوره الزمر می‌خواندند، عزرائیل با لوح، فرشته‌ای در حال عبادت که پیش پای حضرت برنمی‌خیزد
کشف‌الاسرار	
روض‌الجنان	
معراج‌نامه ایلخانی	خازن آن مومیائیل، عزرائیل
عنوان اثر	فرشتگان آسمان پنجم در معراج‌نامه‌ها
حدیث الإسراء و المعراج	دیدن خازن جهنم
تفسیر طبری	
کتاب‌المعراج	نام خزانهدار شطغظ یالیل
تاج‌التراجم	

سورآبادی	فرشتگان سورة الرحمن می‌خواندند
کشف الاسرار	فرشتگانی نیمی از برف و نیمی از آتش
روض‌الجنان	
معراج‌نامه‌ایلیخانی	خازنش سقطیائیل، مالک دوزخ
عنوان اثر	فرشتگان آسمان ششم در معراج‌نامه‌ها
حدیث الإسراء و المعراج	موکل اطراف آسمان‌ها که نیمی از برف و نیمی از آتش بود.
تفسیر طبری	
کتاب‌المعراج	نام خزانه‌دار روعن یاللیل
تاج‌التراجم	
سورآبادی	فرشتگان سورة طه می‌خواندند، خیل فرشتگانی که پایان نداشت، فرشتگانی نیمی از برف و نیمی از آتش
کشف الاسرار	
روض‌الجنان	
معراج‌نامه‌ایلیخانی	خازن آن روعیائیل، فرشته با هفتاد هزار سر با نام روح، فرشتگان کروبیان
عنوان اثر	فرشتگان آسمان هفتم در معراج‌نامه‌ها
حدیث الإسراء و المعراج	دیدار با فرشتگانی به نام روحانیون، فرشتگان گرد بیت‌المعمور
تفسیر طبری	
کتاب‌المعراج	نام خزانه‌دار نوریاللیل، دیدن فرشته‌ای از نور که همان روح در قرآن است
تاج‌التراجم	فرشتگان سراپا سر بودند و روی و زبان و تسبیح می‌گفتند
سورآبادی	دیدار مالک (نگهبان دوزخ)، دیدار رضوان (نگهبان بهشت)
کشف الاسرار	ملک‌الموت
روض‌الجنان	
معراج‌نامه‌ایلیخانی	نام خزانه‌دار نوریاللیل، فریشتگانی که نور از دهان‌های ایشان بیرون می‌آمد، فریشتگان بیت‌المعمور، رضوانیائیل، شمییائیل، هشمیائیل، و افنایییل، خازنان بهشت صاعدیائیل و رقیایییل و عصصیائیل، فرشتگان بحر مسجور

۱۴. فرود آمدن

در حدیث الإسراء و المعراج آمده است که پیامبر (ص) پس از دیدار با خداوند وقتی که محضر خداوند را ترک کرد و پایین آمد در راه بازگشت دوباره حضرت موسی را دید. پیامبر (ص) به موسی گفت که خداوند پنجاه رکعت نماز بر امت من واجب کرد. حضرت موسی به پیامبر (ص) گفت که از خداوند تخفیف بخواه. خداوند صدای آن‌ها را شنید و از همان‌جا اجابت کرد و تعداد نمازها را به چهل و پنج نماز کاهش داد. موسی دوباره به

پیامبر (ص) گفت که از خدا تخفیف بخواه. خداوند این میزان را به پنج رکعت کاهش داد (ابن عباس ۱۴۰۷ق: ۲۴). ماجرای درخواست کاهش رکعت‌های نماز توسط پیامبر، که به‌راهنمایی حضرت موسی انجام می‌شود، در بیش‌تر تفاسیر آمده است.

در حدیث *الإسراء و المعراج*، پیامبر (ص) را، پس از دیدار با خداوند، فقط به دیدار بهشت می‌برند و دیدار پیش‌تر در دوزخ در آسمان پنجم اتفاق افتاده بود.

قشیری در روایتی می‌نویسد که پس از دیدار پیامبر با خدا، جبرئیل بهشت، علین، و درخت طوبی را به او نشان می‌دهد.

در *تاج‌التراجم*، تفسیر طبری، *روض‌الجنان*، و *کشف‌الاسرار* پس از فرود و رسیدن مجدد به *سدره‌المنتهی*، دیدار بهشت و سپس دوزخ و توصیفات از آن آغاز می‌شود.

در تفسیر *سورآبادی* بازگشت پیامبر (ص) نزد جبرئیل و فرود بدون روایت آمده است. در *معراج‌نامه ایلیخانی* (۴۸۲-۶۰۷)، پس از دیدار خداوند، فقط حضرت را به دیدار بهشتیان می‌برند و دیدار دوزخ در آسمان پنجم اتفاق افتاده است.

جدول ۱۱. فرودآمدن پیامبر در معراج‌نامه‌های مختلف

عنوان اثر	فرودآمدن
<i>حدیث‌الاسراء و المعراج</i>	دیدار مجدد موسی، درخواست تخفیف برای نمازها به‌راهنمایی موسی از همان‌جا بدون این‌که نیاز باشد دوباره حجاب‌ها را طی کند، دیدار جبرئیل، هم‌راهی جبرئیل با پیامبر (ص) تا در بهشت، دیدار رضوان بهشت، دیدار از بهشت.
<i>تفسیر طبری</i>	هشت بهشت و هفت دوزخ، در آسمان چهارم دیدار موسی، بازگشت نزد خداوند و درخواست تخفیف در نماز برای امت، ارواح پیامبران در آسمان چهارم، نمازگزاردن در پیش آن‌ها، کوه قاف، جابلقا و جابلسا، دیدار یاجوج و ماجوج
<i>کتاب‌المعراج</i>	دیدن بهشت
<i>تاج‌التراجم</i>	دیدار بهشت و دوزخ، دیدار موسی در بهشت، بازگشت به <i>سدره‌المنتهی</i> و درخواست تخفیف در نماز برای امت، بازگشت مستقیم به خوابگاه
<i>سورآبادی</i>	بازگشت با جبرئیل، سوار بر براق، بیت‌المقدس، بدرود با پیامبران
<i>کشف‌الاسرار</i>	دیدار بهشت، دیدار دوزخ، موسی کلیم، بازگشت نزد خداوند و درخواست تخفیف در نماز برای امت، برگشت به آسمان دنیا، دیدن شیاطین، سوار بر براق، بیت‌المقدس، مکه، بستر
<i>روض‌الجنان</i>	سوار بر رفر ف تا سدره، دیدار بهشت، دیدار موسی، بازگشت نزد خداوند و درخواست تخفیف در نماز برای امت، در صحبت جبرئیل تا بستر
<i>معراج‌نامه ایلیخانی</i>	سوار بر رفر ف، گذشتن از حجاب‌ها، جابلقا و جابلسا، سوار بر براق هم‌راه جبرئیل

۱۵. بازگشت به زمین

در حدیث *الإسراء* پیامبر (ص) درباره بازگشتش به زمین چنین می‌گوید: «هنگامی که به پایان آسمان دنیا رسیدم، شب در حالت خود بود؛ نه لحظه‌ای پیش آمده بود نه لحظه‌ای پس». نویسنده تفسیر *طبری* درباره بازگشت پیامبر (ص) شرح مبسوطی ارائه نکرده است و محل بازگشت پیامبر (ص) را کوه قاف می‌داند (طبری ۱۳۴۱: ۹۱۸).

روایت *روض الجنان* به ابن عباس شبیه است (ابوالفتوح رازی ۱۳۶۵: ۱۵۷-۱۵۸). روایت *کشف الاسرار* نیز به ابن عباس شبیه است (مبیدی ۱۳۸۲: ۵۰۰). روایت *تاج التراجم* نیز بسیار شبیه روایت *روض الجنان* است (اسفراینی ۱۳۷۴: ۱۲۲۸). اما *معراج‌نامه ایلیخانی* در جزئیات با بقیه معراج‌نامه‌ها بسیار متفاوت است. *معراج‌نامه ایلیخانی*، هم‌چون *تفسیر طبری*، می‌نویسد که پیامبر (ص) پس از رسیدن به این دنیا به جابلقا و جابلسا برده شد و از این دو شهر وصفی ارائه می‌کند (*معراج‌نامه ایلیخانی*: ۵۸۷). سپس، جبرئیل پیامبر (ص) را به بیت‌المقدس می‌آورد.

سورآبادی، هم‌چون *تفسیر طبری* و *معراج‌نامه ایلیخانی*، می‌نویسد که پیامبر (ص) در زمان بازگشت به جابلقا و جابلصا^۹ رفت و سپس از آن‌جا به بیت‌المقدس آمد. پس از آن به خانه ام‌هانی در مکه بازگشت؛ درحالی که فقط ساعتی گذشته بود.

۱۶. نتیجه‌گیری

خط سیر روایت معراج این‌گونه است: شروع از مکه، سوارشدن بر براق، شکافتن سینه پیامبر، حرکت به سوی معراج (دو نوع روایت در این‌جا دیده می‌شود: ۱. اسراء؛ حرکت به سوی بیت‌المقدس؛ ۲. حرکت به سوی آسمان؛ یعنی معراج مستقیم از مکه به آسمان)، شنیدن ندهایی از چپ و راست، دیدن زنی زیبارو و دیدن جوانی خوش‌سیمما، آوردن چند جام نوشیدنی برای پیامبر، دیدن پیامبران یا ارواح پیامبران در مسجدالاقصی و نمازگزاردن با آن‌ها با اقتدا به پیامبر، بالارفتن از هفت طبقه آسمان، دیدن پیامبران و فرشتگان در هر طبقه آسمان، دیدن دوزخ و عذاب دوزخیان، دیدن بهشت، دیدن بیت‌المعمور و طواف گرد آن، رفتن تا سدره‌المتهی (مقام جبرئیل)، سوارشدن بر رفر، گذشتن از چندین دریا و چندین حجاب، رفتن تا عرش، صحبت کردن یا ملاقات با خدا، بازگشت و فرود آمدن، دیدار مجدد

حضرت موسی و درخواست تخفیف برای نماز به پیش نهاد موسی، بازگشت به مکه و بازگویی موضوع برای مردم مکه با شرح چندین نشانه.

از نظر نگارندگان، نقطه اوج این روایت مرحله سخن گفتن با خداست و پس از آن روایت خطی به سمت حضيض روایت پیش می‌رود؛ یعنی هر اتفاقی پس از آن جزو حضيض روایت محسوب می‌شود.

باید در نظر داشت که هریک از مراحل خط سیر یادشده این روایت ممکن است در روایتی وجود نداشته یا پس و پیش ذکر شده باشد.

روایت معراج اگرچه راویان متعددی داشته، در همه آثاری که داستان معراج را نقل کرده‌اند شباهت‌های بسیاری در روایت بنیادین وجود دارد. تعداد معراج‌نامه‌های فارسی، که به‌طور مستقل به معراج پیامبر (ص) پرداخته باشد، بسیار اندک است.

با بررسی جزء به جزء محتوای روایات داستانی این آثار و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، مشترکات و شباهت‌های فراوان و ساختار روایی جامعی از آن به دست آمد که شروع، نقطه اوج، روایت خطی، و پایان آن مشخص است و با در نظر گرفتن توصیفات و آرایش‌های کلامی، از جمله آیات و احادیث، چهارچوب کلی روایت از خلال این معراج‌نامه‌ها بیرون می‌آید.

در این میان، روایت موجود در تفسیر طبری (قرن چهارم)، با توجه به تقدم آن، شاخ و برگ بسیار کم‌تری داشته است. تاج‌التراجم (قرن پنجم)، روض‌الجنان (قرن ششم)، و کشف‌الاسرار (قرن ششم) گسترش بیش‌تری داشته‌اند و در بعضی از بخش‌ها اشتراکات و شباهت‌هایی با هم دارند؛ حتی گاه کلمات و توصیفات آن‌ها یکسان است که این شباهت در تاج‌التراجم و روض‌الجنان مشهودتر است. اما تفسیر سوره‌آبادی (قرن پنجم)، با توجه به تقدم بودن و نزدیکی به سرچشمه روایت، تفاوت‌های زیادی با آثار دیگر دارد و رنگ و بوی داستانی آن نیز کم‌تر است. کتاب‌المعراج قشیری، با توجه به این‌که بریده‌بریده روایت‌هایی نقل می‌کند، آشنفتگی کلامی زیادی دارد که کار نتیجه‌گیری از آن را دشوار کرده است. با همه این اوصاف، علمی‌ترین کار را در آن دوره قشیری انجام داده است. او که از معراج‌نامه تأویلی ابن‌سینا برمی‌آشوبد، که معراج را امری روحانی می‌داند و سعی در تأویل آن دارد، روایات متعدد معراج را جمع‌آوری می‌کند و سعی در اثبات آن دارد که معراج جسمانی — روحانی است و معراج روحانی فضلی ندارد. هم‌چنین، از آن‌جاکه روایات متعددی را بریده‌بریده ذکر می‌کند، هر بخش از این روایات می‌تواند شبیه بخشی از کتاب‌هایی باشد که

نگارندگان پژوهش حاضر قصد بررسی آن را دارند. تنها روایتی که قشیری چند صفحه به آن اختصاص می‌دهد روایتی از ابن عباس است که البته، به نظر او، روایت مستندی نیست. قشیری، پیش از آن که بخشی از روایتی از قول ابن عباس را ذکر کند، می‌نویسد: «در این حدیث عجایی ... وجود دارد که از بیم به درازا کشیدن سخن آن‌ها را وامی‌گذاریم و به ذکر بعضی از آن‌ها بسنده می‌کنیم» (انصاری ۱۳۸۳: ۷۰). البته، همین بخش از روایت نیز بسیار طولانی و پُر از اوصاف دقیق و در جزئیات با حدیث *الإسراء* متفاوت است. اما این بخش بسیار شبیه *معراج‌نامه ایلیخانی* است. همان‌طور که گفتیم، او به نقل احادیث می‌پردازد و البته نظر خود را نیز درباره صحیح‌ترین احادیث نقل می‌کند. به نظر او، «مدار روایات صحیح در باب معراج بر انس بن مالک استوار است» (همان: ۵۳). نکته جالب توجه آن که روایت قشیری از ابن عباس فرض ما را مبنی بر وجود نسخه‌ای دیگر از این روایت تقویت می‌کند، زیرا هرچند دو نسخه در کلیت موضوع نکات مشترک زیادی دارند، در جزئیات بسیار باهم متفاوت‌اند. مثلاً، نام و جنس آسمان‌ها در دو نسخه یکسان نیست. با نگاهی به جدول نام فرشتگان متوجه شباهت روایت ابن عباس در *کتاب‌المعراج* قشیری با *معراج‌نامه ایلیخانی* می‌شویم. نکته جالب توجه این که در حدیث *الإسراء* و *المعراج* ابن عباس چنین نام‌هایی به چشم نمی‌خورد؛ در حالی که روایت قشیری از قول ابن عباس است.

معراج‌نامه ایلیخانی، که متأخرتر از بقیه آثار است، شاخ‌وبرگ داستانی و روایی بیش‌تری دارد که نشان از دخالت بیش‌از حد مؤلف در روند روایت داشته تا رنگ‌وبوی داستانی به اثر خود ببخشد.

حدیث *الإسراء* و *المعراج*، کتاب مفصل ابن عباس، که کهن‌ترین روایت مکتوب از معراج است، از نظر کلیت به دیگر تفاسیر شبیه است، اما از نظر جزئیات با بقیه متفاوت است. به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین بخش‌های تفاسیر، که با هم تفاوت دارند، وصف دوزخ و دوزخیان و عذاب‌های آن‌هاست که نگارندگان، به دلیل اطالۀ کلام، آن را حذف کرده‌اند. از جزئیات تفاسیر نمی‌توان به این نتیجه رسید که این آثار از ابن عباس بهره برده‌اند؛ احتمالاً به روایات دیگر نظر داشته‌اند و البته خود نیز به آن روایات آب‌وتاب داده و رنگ‌وبویی تازه بخشیده و بهره خود را برده‌اند.

نکته جالب توجه این که حتی منبعی مثل *روض‌الجنان*، که در برخی جاها تصریح می‌کند که در این بخش از روایت ابن عباس بهره برده است، باز هم در جزئیات با روایت ابن عباس تفاوت دارد.

مکان شروع معراج در بیش‌تر تفاسیر از جایی در مکه و در همه روایت‌ها خانه ام‌هانی آمده است. درباره زمان شروع روایات مختلف است و برخی تفاسیر با نقل این مسئله که معراج دو یا چند بار رخ داده سعی در توجیه آن داشته‌اند؛ یعنی خود آن‌ها نیز متوجه این تفاوت‌ها شده‌اند، اما هیچ‌کدام در رفع شبهه سعی نکرده و با ذکر دو یا چند بار بودن از بررسی آن شانه خالی کرده‌اند. باتوجه به جدول، متوجه می‌شویم که پیش از هجرت، شب دوشنبه و نیز ربیع‌الاول بالاترین بسامد را دارد.

در همه روایت‌ها آمده است که جبرئیل در این سفر روحانی - جسمانی هم‌راه پیامبر بوده است. در حدیث *الإسراء* و *تفسیر طبری*، به جز جبرئیل، از میکائیل نیز نام برده شده است. در *روض‌الجنان* ذکر می‌شود که جبرئیل با فرشته دیگری پیامبر را هم‌راهی می‌کند. در بقیه تفاسیر جبرئیل، میکائیل، و فرشتگان دیگر پیامبر را در معراج هم‌راهی می‌کنند.

سند همه روایات درباره شکافتن سینه پیامبر و غسل دادن آن در *کتاب‌المعراج* قشیری به انس بن مالک می‌رسد، اما در روایت ابن عباس در *کتاب‌المعراج* قشیری به این موضوع اشاره نشده است. در حدیث *الإسراء*، *تفسیر طبری*، و *سورآبادی* به این موضوع اشاره‌ای نشده است و صاحب *روض‌الجنان* نظر خود را به صراحت در این باره بیان می‌کند که شرعاً و عقلاً درست نیست.

در *تاج‌التراجم*، *کشف‌الاسرار*، *معراج‌نامه ایلیخانی*، و، همان‌طور که گفته شد، در *کتاب‌المعراج* قشیری این روایت آمده است. به نظر می‌رسد در برخی احادیث به نقل از صحابه این روایت ذکر نشده، به همین دلیل؛ مثلاً در *تفسیر طبری* یا حدیث *الإسراء* به آن اشاره نشده است. با وجود این که حدیث *الإسراء* جزئیات زیادی را در بر می‌گیرد.

درباره مرکب معراج، به جز طبری، که هیچ اشاره‌ای به آن نکرده است، بقیه تقریباً اوصاف مشابهی از براق را ارائه می‌کنند.

درباره ندهایی که پیامبر می‌شنود روایت‌ها بسیار به هم نزدیک‌اند؛ روایت *تفسیر طبری*، *کتاب‌المعراج*، *روض‌الجنان*، و *کشف‌الاسرار* بسیار شبیه است. روایت حدیث *الإسراء* نیز با کمی تفاوت به این چهار شبیه است. روایت *معراج‌نامه ایلیخانی* نیز به روایت *سورآبادی* شبیه‌تر است.

درباره محتویات جام‌ها طبری هیچ اشاره‌ای به این موضوع نمی‌کند. روایت *سورآبادی* و *معراج‌نامه ایلیخانی* شبیه هم است؛ حال آن‌که روایت حدیث *الإسراء*، *تاج‌التراجم*، و

روض‌الجنان به هیچ روایت دیگری شبیه نیست. در این باره روایت کشف‌الاسرار و کتاب‌المعراج قشیری به هم شباهت دارد.

درباره دیدار با پیامبران پیش از عروج در بیت‌المقدس در حدیث‌الاسراء و طبری چیزی ذکر نشده است و تفاسیر در جزئیات نام پیامبران باهم اختلاف دارند. فقط در کتاب‌المعراج اشاره شده است که همگی آن‌ها را دید و با آن‌ها نماز گزارد. در روض‌الجنان و تاج‌التراجم اشاره شده است که پیامبران از عهد ادریس تا نوح را دید. در معراج‌نامه ایلخانی نام شماری از پیامبران ذکر شده است که از این نظر هیچ شباهتی به هیچ‌یک از روایات دیگر ندارد.

در کتاب‌المعراج، تاج‌التراجم، سورآبادی، کشف‌الاسرار، و معراج‌نامه ایلخانی آمده است که پیامبر در آسمان اول حضرت آدم را دید، اما سورآبادی، علاوه‌بر آدم، می‌نویسد که صورت عثمان را در حال نماز دید. تا این جا گاه از برخی نوشته‌های سورآبادی می‌شود برداشت کرد که گرایش شیعی دارد، اما با این جمله معلوم می‌شود که فرقه‌ای از فرق سنی است که به امامان شیعه احترام می‌گذارند؛ هم‌چنین، رنگ‌وبویی از این گرایش را در طبری نیز می‌توان دید:

پس پیامبر اندر خواست از خداوند عزوجل تا جبرایل را بفرمود تا پیامبر را بهشت نماید ... پس جبرایل از بهشت سیبی بکند ... و گفت این بخور ... پیامبر آن سبب را بخورد، آن سبب نطفه گشت ... و خبری است به روایت که بیارند از پیغامبر (ص). ابدون گویند که پیغامبر بیامدی و موی فاطمه بوییدی و بوسه دادی و گفتی که از موی فاطمه بوی بهشت آید و سبب آن سبب بوده بود (طبری ۱۳۴۱: ۹۱۵).

در حدیث‌الاسراء، روض‌الجنان، و تفسیر طبری چیزی درباره دیدن حضرت آدم در آسمان اول یا بقیه آسمان‌ها نیامده است.

اما نام آسمان اول در حدیث‌الاسراء رفیعیه، در معراج‌نامه ایلخانی برقیعه، و در کتاب‌المعراج، به نقل از ابن عباس، رفیعیه آمده است. نام‌ها بسیار شبیه هم‌اند، به‌ویژه این که در قدیم روی حرف «ف» و «ق» در برخی نسخ نقطه نمی‌گذاشتند.

در آسمان دوم، به جز طبری و سورآبادی، که چیزی درباره دیدن پیامبران نوشته‌اند و معراج‌نامه ایلخانی که می‌نویسد پیامبر حضرت یوسف را در آسمان دوم ملاقات کرد بقیه می‌نویسند که پیامبر حضرت عیسی و حضرت یحیی را در این آسمان دید.

جنس و نام آسمان دوم در سه منبع ذکر شده، که باهم متفاوت‌اند، عبارت است از: حدیث *الاسراء*، *کتاب‌المعراج*، و *معراج‌نامه ایلیخانی*. در *معراج‌نامه ایلیخانی* آمده است که پیامبر در آسمان سوم حضرت عیسی و یحیی را ملاقات کرد. طبری و سوراآبادی در این باره چیزی ننوشته‌اند. در حدیث *الاسراء* از حضرت داوود، سلیمان، و یوسف نام برده می‌شود و در بقیه فقط به حضرت یوسف اشاره شده است. در *کتاب‌المعراج* و *معراج‌نامه ایلیخانی* نام آسمان چهارم «ماعون» و در حدیث *الاسراء* «زاهره» است. نام آسمان پنجم در هر سه منبع متفاوت است. در *کتاب‌المعراج* نام آسمان ششم «غزریون»، در *معراج‌نامه ایلیخانی* «غزریون»، و در حدیث *الاسراء* «خالصه» آمده است. نام آسمان هفتم در هر سه منبع متفاوت است.

اسم برخی فرشته‌ها در *معراج‌نامه ایلیخانی* تلفظ دیگری از اسم روایت *کتاب‌المعراج* قشیری به نقل از ابن عباس است، مانند کوبک یالیل، خزانه‌دار آسمان سوم در روایت قشیری و کوکیائیل در *معراج‌نامه ایلیخانی*. برخی هم یکی‌اند، مانند اسماعیل نام خزانه‌دار آسمان اول، و برخی متفاوت‌اند. جالب آن‌که این اسم‌ها و جنس آسمان با آنچه در کتاب حدیث *الاسراء* ابن عباس آمده کاملاً متفاوت است.

از بررسی جدول‌ها می‌توان نتیجه گرفت روایتی که قشیری از ابن عباس نقل می‌کند به روایت *معراج‌نامه ایلیخانی* شبیه‌تر است؛ هرچند به نظر می‌رسد *معراج‌نامه ایلیخانی* در بخش محتویات جام‌ها و نداها به منبع سوراآبادی نیز نظر داشته است.

در بخش پایانی، شباهت روایت *معراج‌نامه ایلیخانی* به تفسیر طبری جلب توجه می‌کند. همان‌طور که ذکر شد، پیامبر پس از بازگشت به زمین به جابلسا و جابلقا برده می‌شود. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که تفسیر متأخری چون *معراج‌نامه ایلیخانی* به چند روایت نظر داشته و در هر بخش از روایتی بهره برده است. مثلاً، در بخش شرح هفت آسمان به‌ویژه نام خازن هر آسمان به روایت ابن عباس نظر داشته که در *کتاب‌المعراج* قشیری آمده است، اما در بخش بازگشت به تفسیر طبری نظر داشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. البته، بنابر قول ابن‌هشام، نخستین روایت از آن عبدالله بن مروزی است (ابن‌سینا ۱۳۶۵: ۲۲).
۲. برخی مفسران آن را بیت‌المعمور دانسته‌اند که در این مقاله فقط به روایاتی پرداخته می‌شود که مقصود از آن را مسجدالاقصی در بیت‌المقدس می‌دانند.

۳. «منزه است آن خدایی که بنده خود را شبی از مسجدالحرام به مسجدالاقصی، که گرداگردش را برکت داده‌ایم، سیر داد تا بعضی از آیات خود را به او بنماییم؛ هرآینه او شنوا و بیناست». به سفر شبانه حضرت محمد (ص) از مکه به بیت‌المقدس به اذن پروردگار به هم‌راهی جبرئیل اشاره دارد.

۴.

صاحب نیرویی که استیلا یافت (۶) و او به کناره بلند آسمان بود (۷) سپس نزدیک شد و بسیار نزدیک شد (۸) تا به قدر دو کمان یا نزدیک‌تر (۹) و خدا به بنده هرچه باید وحی کند وحی کرد (۱۰) دل آن‌چه را که دید دروغ نشمرد (۱۱) آیا در آن‌چه می‌بیند با او جدال می‌کنید؟ (۱۲) او را دیگربار هم بدید (۱۳) نزد سدره‌المتهی (۱۴) که آرامگاه بهشت نزد آن درخت است (۱۵) وقتی که سدره را چیزی در خود می‌پوشید (۱۶) چشم خطا نکرد و از حد نگذشت (۱۷) هرآینه پاره‌ای از آیات بزرگ پروردگارش را بدید (۱۸).

۵. این کتاب تا به حال به فارسی چاپ نشده و انتشارات دارالرائد در بیروت آن را در ۷۹ صفحه در ۱۴۰۷ چاپ کرده است.

۶. نویسندگان مقاله تصحیح تازه‌ای از این کتاب را آماده کرده‌اند که به زودی منتشر خواهد شد.

۷. ام‌هانی دختر ابوطالب و فاطمه بنت اسد بن هاشم و خواهر تنی طالب، عقیل، جعفر، و امام علی (ع) است. از او با نام‌هایی چون فاخته، فاطمه، و عاتکه یاد شده است.

۸. در این ارجاع «۷» در نسخه خطی نماینده صفحه راست است و «۳» نماینده صفحه چپ.

۹. جابلسا.

کتاب‌نامه

قرآن کریم (۱۳۷۶)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۵)، معراج‌نامه، تصحیح نجیب مایل هروی، مشهد: آستان قدس رضوی.

ابن‌عباس، عبدالله (۱۴۰۷ ق)، حدیث الإسراء و المعراج، بیروت: دارالرائد العربی.
الخزاعی النیشابوری (ابوالفتوح رازی)، حسین بن علی بن محمد بن احمد (۱۳۶۵)، روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن، تصحیح محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

اسفراینی، ابوالمظفر شاهفور بن طاهر بن محمد (۱۳۷۴)، تاج‌التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، تصحیح نجیب مایل هروی و علی‌اکبر الهی خراسانی، تهران: علمی و فرهنگی.

۲۸۴ کهن‌نامه ادب پارسی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰

القشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن (بی‌تا)، کتاب‌المعراج، اخراج و تحقیق علی حسن عبدالقادر، مصر: دانشگاه الازهر.

انصاری، قاسم (۱۳۸۳)، از عرش تا فرش؛ ترجمه کتاب‌المعراج، قزوین: سایه‌گستر.
معراج‌نامه [معراج‌نامه ایلیخانی]، نسخه خطی به شماره ۳۴۴۱، کتاب‌خانه سلیمانیه ایاصوفیه، ترکیه: استانبول.

ترجمه تفسیر طبری (۱۳۴۱)، به‌اهتمام حبیب یغمایی، تهران: دانشگاه تهران.
دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
شمسی، لاله و پریسا شاد قزوینی (۱۳۸۵)، «معراج‌نامه نگین درخشان نگارگری ایلیخانی»، نشریه هنرهای زیبا، ش ۲۸.

عتیق نیشابوری سورآبادی، ابوبکر (۱۳۷۰)، قصص قرآن مجید، تهران: خوارزمی.
قاسمی پرشکوه، سعید و عباس‌علی وفاپی (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی معراجیه‌های خمسه نظامی با نگاه موردی به سه معراج‌نامه کتاب‌المعراج، معراج‌النبی، و الاسراء و المعراج»، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، ش ۲.

مبیدی، رشیدالدین (۱۳۸۲)، کشف‌الاسرار و عمدة‌الابرار، تصحیح علی‌اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.

Gruber, Christiane (2010), *The Ilkhanid Book of Ascension: A Persian-Sunni Devotional Tale*, Publisher: Tauris Academic Studies.

Gruber, Christiane and Frederick S. Colby (2010), *The Prophet's Ascension: Cross-Cultural Encounters with the Islamic Miraj Tales*, Indiana University Press.

Colby, Frederick S. (2008), *Narrating Muhammad's Night Journey*, New York: State University of New York Press.